

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

شماره: ۲۰ ریال

دوشنبه ۱۴ آبان ۵۸

پیکار را بخوانید و در تکتیر و پخش آن بکوشید

- نگاهی بر مواد قانون اساسی (۴) صفحه ۱۴
- اخباری از جنبش دانش آموزی صفحه ۵
- در آفتاب سوسیال امپریالیسم شوروی (۵) صفحه ۱۹
- اعلامیه کمیته خوزستان در پاسخ به اتهامات مغرضانه صفحه ۱۳
- مراسم بزرگداشت رفیق شهید فواد صفحه ۱۲

تظاهرات و راهپیمایی ۷۰ هزار نفری در سندج

خلق کرد فریاد می زند :

توب- تانک- تیاره ، لامان نادالم کاره (توب ، تانک ، مسلسل ، را) یارای مقابله در مقابل قدرت خلق نیست .
در صفحه ۴

پیام به دانش آموزان مبارز و انقلابی

بمناسبت سالگرد روز ۱۳ آبان

آموزش رایگان ایجاد باید گردد!
فعالیت سیاسی آزاد باید گردد!
فرهنگ استعماری نابود باید گردد!

در صفحه ۳

ارتجاع در سراسر اشپی افراد

مروری بر استعفای دکتر سامی

بعداً بدان خواهیم پرداخت نشانه‌ای از این واقعیت است . اما قبل از آن لازم است ببینیم بطور کلی اعتراضات و مخالفتها که از دل هیئت حاکمه برمی خیزد ناشی از چیست ؟ بنظر
در صفحه ۱۱

بحران اقتصادی ، سیاسی جامعه بعدی حدت و گسترش یافته و آنچنان رژیم را از همه طرف در فشار قرار داده که حتی از درون کابینه آقای بازگان نیز فریاد اعتراض بلند شده است . استعفای دکتر سامی وزیر بهداشتی که

شیوه برخورد پرولتری یا

خرده بورژوازی ؟

نقدی بر مواضع چریکهای فدایی خلق در مورد طبقات و نیروهای غیر پرولتری
در صفحه ۹

اخباری از: کردستان قهرمان

در صفحه ۳



جنبش گاوگری

- تشکیل "شورای کارگران پیکار پروژه ای و فصلی" گچساران
 - اعتصاب کارگران بارگیری در بندر خمینی
 - شکست بخاطر عدم تشکل و آگاهی
 - کارگران پیکار ایلام تهدید استاندار را بهیچ می گیرند
- در صفحه ۲۰

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

دیگر خا شنین و ما زنگار ان بی نصیب نما شد
است. آنها امروز می میکنند که جنبش دانش-
آموزی را با ما اندرویز و بیوضیتهای خا شن حزب
توده با لکل نفی کرده و آنرا ملصقه «دست
توطئه گران و آشوب طلبان» قلمداد کنند و بدین
وسيله این جنبش را خا موش ما زنگار و اینک
ما زنگار و اینک لبرالها و ما دموکراتها ی
لبرال را زده به اسم «ترش در خا کتیک» با
«حرکت مرحله به مرحله» این جنبش انقلابی را
معدود بهمان خواسته های صنفی و رفاهی چو ن
افشوریه و ما زنگار ان بی نصیب نما شد.

اما جنبش انقلابی دانش‌آموزان ایران
فربین این "دستان دروغین" را نخواهد خورد (و)
تظاهرات وسیع دانش‌آموزی در شهرهای مختلف
ایران گواه بر آنست خصلت انقلابی این
تظاهرات ، دشمنان را کاملاً انقلابی و سیاسی
آن نشان داد که دانش‌آموزان ایران تا صبح
خواسته‌های خود را جدا از تا صبح خواسته‌های
غلقی نمی بینند و اگر چه آنها از تسلط آسیوش
استعماری در مدارس ، کمبود معلم و مدرسه ،
هزینه خفگی گران ، بقای تسلط استعمار
سواکی و مزدور و فقدان آزادیهای دموکراتیک
رنج برده و از طرح این شعارها برای بسیج و
جلب و جذب توده‌های ناآگاه دانش‌آموز برای
ارتقاء آگاهی و شکستن خشم آنها استفاده
کرده و بپای می‌کنند ، ولی هیچگاه خواسته‌های
خود را محدود به این طبع نکرده بلکه رعبا و
تسلیم به این خواسته‌های آگاهی تمام خلق
و افشای ماهیت ضد خلقی حینت حاکم تازه به
قدرت رسیده می‌پردازند

دانش آموزان سیاسی و انقلابی !
شما دانش آموزان علمبرداران آنکه همگان مشترکاً
به تحصیل در مدارس ابتدائی و متوسطه مشغول
هستید اما بدلیل خاستگاه طبقاتی و گرایشات
مختلف و طبقاتی و حساسیت در مقابل جریانات
اجتماعی و (گوناگونی از گرایش و ویژگی شما
به علم و تفکرات) اجباراً و بطور طبیعی در
فضای سیاسی و خویش گرایشات فکری طبقات
مختلف را نمایش میدهد . به عبارت دیگر
هما نظر که در جامعه جریانات سیاسی و ایست
به ارتجاع ، بورژوازی لیبرال ، دموکراتهای
ناپگیر (خرده بورژوا) و دموکراتهای پیگیر
(کمونیست) وجود دارد ، در میان شما نیز
همین گرایشات به چشم می خورد . از آنجا که
در این مرحله از انقلاب ، کمونیست ها عنوان
نمایندگان پشوتترین طبقه یعنی طبقه کارگر
موظف هستند که با دموکرات ها متحد شده و با
اشای لیبرال ها که میخوابند جنبش را به سازش
با ارتجاع بگشایند بهیچانیز به رعبه امپریالیزم
و با لیس و ارتجاع حامی آن نپردازند ، لازم
است که دانش آموزان طرفدار مارکسیسم -
لنینیسم نیز با دانش آموزان دموکرات (یعنی
شما) دست از دانش آموزانی که خواهان
سرنگونی امپریالیزم و ارتجاع از میان
هستند ، اما طریقه درست این سرنگونی یعنی
راه کمونیسم را شناسایی و بپایان
خلق و ... دل به راههای خیالی و غیرواقعی
دیگر بسته نهند) متحدهند و با اشای افکار

در اعلامیه پس از اشاره به ماهیت هیئت حاکمه و جبهه فریبکار رانده و ریاکاران، که روز بروز توده‌های بیشتری بدان پی می‌برند و پس از اشاره به تلافی‌های روز بروز بیشتر، لایبرال‌ها و تمام سازشکاران برای منصرف کردن توده‌ها از مسیر انقلابی خود، و گوش‌پسرای کردن سازش‌رازان توده‌ها با ضد انقلاب حاکم، آمده است:

جنبش انقلابی دانش آموزان ایران نیز امروزه از آموزش روزبه ریزه ها، امپالها و

یکسال از ۱۳۵۷ عبور کرد، روزی که دانش‌آموزان مبارز، از جان گذشته‌ی خود را در راه آرمانهای والای زحمتکشان به‌روشنی نشان دادند و عجب با نهایی اطراف دانشگاه تهران را به‌صحنه شهادت خونین با ارتش ذل‌خلاق حکومت سرافکندار و وابسته به امپریالیسم مبدل می‌بخشد.

امروز آن حکومت بدست توانای رحمت -
کشان ایران رنگین شده ، اما جای آنرا

برای سرمایه‌داران و استثمارگران ،
رجحان‌توده‌ها و نیازهای آنان نمی‌تواند مطرح
باشد آنها را زخون‌کارگران و وزحمتکشان ، هم
مرد «دنيا» تان را ریختن میکنند و هم «آخرت»
خوبش را تا همین می‌نماید ! هم وبلاهای لوکس
دارم اما بزاده‌های زخیش شده برای سرمایه -
داران می‌بزرگ لادم است .

۱/۵ میلیون دلار معادل ده میلیون و
پانصد هزار تومان از فردی بنام حاج سید
علی مایه پوستان به دفع حاجی قاسم همدانی
به بانک ملی نیویورک (؟) حواله شده ، با
اجازه نخست وزیر ، برای تزیین قبر " حضرت
رقیه " در دمشق !

با این پول چندخانه برای زاغه -
نشین ها ، چندکار برای بیکاران ،
خرج تحصیلی چند دانش آموز و
مداوای چند بیمار ... می توانست
نامین شود ؟

[illegible]

اخباری از: کردستان قهرمان

■ مرپوان

در تاریخ ۵۸/۸/۹ در مرپوان تظاهراتی صورت گرفت که در آنجا زاریان بودند. آموزان شهر شرکت داشتند. هنگامیکه تظاهرات کنندگان میخواستند به قبرستان شهدا بروند مورد هجوم پاسداران و جاشای مطی قرار میگرفتند. اما مردم با خرنجک به آنها حمله کرده و آنها را غراری میدهند. مردم به داسرای انقلاب اسلامی حمله می کنند و کلیه پرونده های موجود در آن آتش میزنند. سپس به دفتر باصلاح جهاد از تکی حمله نموده و یک ماشین را آتش میزنند و کلیه غواری و موجودات را در آتش میزنند و برنج و غنیمت را زمین مردم تقسیم میکنند سپس شهر کاملاً تحت کنترل رزمندگان در میآید. جوانان مردان به پیشمرگان پیوستند.

میدان افغانیهای که از طرف نیروهای انقلابی درباره نیروهای دولتی (آرژانتین) پاسداران انجام گرفته تگرویی از جوانان مردان که از سرنا آگاهی و با فقر و فشار مالی در خدمت دولت خدا انقلابی قرار گرفته بودند، اسلحه خود را زمین گذاشته و تعدادی از آنها با علامهای خود به پیشمرگان پیوسته اند.

مردم اختلافات خود را توسط پیشمرگه ها حل و فصل میکنند. پیشمرگان قهرمان (س.ا.ز.ک.ا.۰۱) در تاریخ ۵۸/۸/۲۲ با گاه "انجیران" در منطقه مرشیر و بدون درگیری خونین تصرف کرده و چندین قبضه اسلحه، سنگین از جمله بازوگا، خمپاره انداز، تیربار و ۳۰۰ مارتنگ انداز و چندین قبضه ۳- و ۱۰۰ میلی را معادله نمودند. هم اکنون این منطقه در کنترل پیشمرگان قهرمان است و مردم اختلافات خود را توسط آنها حل و فصل میکنند. آنها به تشکیل شوراهای فرامشی تن در داده اند و تنها مرجع خود را اتحادیه دهقانان مرپوان و اوایلانات میدانند.

■ سنج

تظاهرات به شیوه طرفداران قانون اساسی در تاریخ ۵۸/۸/۲۲ پاسداران مستقر در سنج همراه با اعضای جهاد سازندگی (رویهیم تعدادشان ۷۵ نفر بود) دست به تیراکی زدند. تظاهرات بقدری مسخره بود که مرتجعین هوادار مفتی زاده هم آنرا تحریم کردند. مردم در خیابانهای فردوسی و ۲۲ بهمن با سنگ به

استقبال آنها رفتند، بطوریکه کف خیابان از سنگ پر شد. مردم سپس بدنهای تیراندازهای هواشی پاسداران متفرق شدند.

■ قهریز

تظاهرات دانشجویان به حمایت از مبارزات مسلحانه خلق قهرمان کرد (خلاصه شده)

(نقل از ضمیمه مطی کمیت آذربایجان)
مستور حمایت از مبارزات مسلحانه و ضد امپریالیستی خلق کرد تظاهراتی از سوی دانشجویان، روز یکشنبه ۵۸/۸/۶ در دانشگاه تبریز برپا شد. همه دانشجویان انقلابی از جمله دانشجویان هوادار سازمان پیکار در راه... دانشجویان مبارز و بیگانه از این تظاهرات پشتیبانی کردند.

دانشجویان با حلقه مظلوم از جلوی دانشگاه پزشکی حرکت کردند و راه پیمایی در محیط دانشگاه به نشانه همبستگی با خلق کرد افشای جنایتهای حکومت کاکه در کردستان شمار میافزاید که:

"۱- سرکشی، امریکایستان خلق ما"، "کشتار خلق کرد موروثی باید گردد"، "زندانی خلق کرد آزاد باید بگردند"، "جلال شل و عترت کتلد خلق ما شد"، "کشتار خیریه سین در قاره تکرار شد"، "درد بر شهدای بخون خفته خلق کرد"، "در پیکار خلق کرد سازندگی محکوم است"، "بر روی پلکار ردهایی که از سوی تظاهرات کنندگان حمل میشد حلقه زدن خفته شده بود"، "کشتار خلق کرد باید فوراً متوقف گردد"، "مستحکم شرابا پیوند خلقهای گسرد، ترک، بلوچ، عرب و...، ترک برادران پسران لبسم"، "پیوند خلق کرد با دیگر خلقهای ایران ناگسستی است"، "سازندگی خلق کرد"، "کنندگان که بالغ بر ۳۰۰۰ نفر بودند پس از طی خیابانهای دانشگاه در زمین چمن گسرد آمده بودند و قطعه هشت ماده ای از طرف آنان قراشت گردید.

آنچه که در این میان جلب توجه میکرد مقاله ای بود که از طرف کمیته انالیتی حزب توده بعد از تظاهرات در جلوی علف سرویس نصب شده بود که چپ روی و انگونه اعستال را محکوم کرده بود!

■ باغ

حمله به پاسگاه کوخان

در تاریخ ۵۸/۷/۲۷ چند تن از پیشمرگه های دلاور سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران با همیاری شهدای از پیشمرگه های دلیر شیخ جلال حسینی (برادر عزالدین حسینی) با سلاحهای سنگین به پاسگاه کوخان مستقر بسین

جاده سردشت بهانه حمله کردند که طی آن ۲ نفر از نیروهای دولتی کشته و ۶ نفر زخمی شدند. پیشمرگه های قهرمان سالم به پایگاه های خود برگشتند.

■ تکذیب خبر کیهان

از منابع موثق درباره خبر رسیده که خبر زخمی شدن شیخ جلال حسینی و پسرش در جریسان خنله همه با دگان با نه (مندرج در کیهان پنجشنبه ۵۸/۸/۳) خادست است و این دو نفر سالم هستند.

■ معادله پوشا

ماعت ۸ شب سه شنبه ۵۸/۸/۱ یک وانت بار حامل مقداری پوشا زمستانی برای سپاس پاسداران از راه و اردشهر بهانه می شود. راننده وانت بصورتاً پنکته در دست پاسداران است. از چند نفر جوان آدرس محل سپاه پاسداران را می پرسد. جوانان مبارز با هوشتاری راننده را بسوی مقر شیخ جلال حسینی هدایت میکنند و در آنجا محتویات ماشین بنفع پیشمرگان کرد معادله می گردد.

■ به نقل از خبرنامه های سازمان انقلابی زحمتکشان (با تلخیص):

روز یکشنبه ۵۸/۷/۲۲ و شب ۵۸/۷/۲۳ پیشمرگان این سازمان در جاده معادله معادله آب و شهر معادله و جاده معادله آب و بوکان پس از دست گرفتن کنترل جاده و نفوذ در شهر به بحث سیاسی با مردم درباره مسائل روز پرداختند و سپس به پایگاههای خود بازگشتند.

روز پنجشنبه ۵۸/۷/۲۶ پیشمرگان این سازمان در جاده معادله بوکان یک خودرو را انداخته و معادله و دود در جاده را استیگر کردند. همچنین آنها در جاده معادله آب بوکان دو نفر و سه درجه دار و یک سرباز ارتش را دستگیر نمودند. پیشمرگان بعد از افشای ماهیت ارتش و رژیم و اعلامیه بودن دفاع مسلحانه خلق کرد و روشنگریهای سیاسی آنها را آزاد نموده و سالم به پایگاه خود بازگشتند.

■ پاسگاه "انجیران" خلق صلاح شد
پیشمرگه های قهرمان ۱۰۰۰ این پلیس کوهستان های سر فراز کردستان در روز ۵۸/۸/۴ پاسگاه انجیران را به محاصره در آورده و انفرات پاسگاه که قدرت مقاومت نداشتند، تسلیم شدند. در این حمله ۱۰۰ یک خمپاره انداز، یک بازوگا و ۲۰۰ تا ۳۰۰ حذیق مهمات بدست پیشمرگه ها افتاد. و رئیس پاسگاه و دو درجه دار نیز با سارت در آمدند که بعد از تسلیحات سیاسی آزاد شدند.
خلق صلاح این پاسگاه توسط پیشمرگه های سازمان زحمتکشان (کومه له) کورت شهید فواد صورت گرفت.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلق هاست

بقیه از صفحه ۲

پیام به ...

تظاهرات و راهپیمایی ۷۰ هزار نفری در سنج

دو کودک با غرور و شادی پول خود را که دو تومان بود در صندوق کمک به پیشمرگان کرد انداختند!

در میان تظاهرات هرکندگان جوانانی صندوق به دست برای پیشمرگان قهرمان کمک مالی جمع میکردند. در جایی دو کودک با غرور و شادی فراوان پول تو جیبی خود را که دو تومان بود در صندوق انداختند! در این تظاهرات هرات بسیاری از اهالی دهات اطراف سنج شرکت کرده بودند و این نشان میداد که روشنفکران ما سطح آگاهیشان بالا رفته و خواهان شرکت در مبارزات توده‌های شهری هستند. برای نمونه در میان تظاهرات هرکندگان دو پلاکاردها مضمون زیرچشم میخورد:

"مادهایان زحمتکش منطقه زاورود پشتیبانی خود را از خود مختاری کردستان در ایرانی آزاد اعلام میداریم." "ما زحمتکشان روستای "پاوریز" پشتیبانی خود را از آزاد یمن حسینی و پیشمرگان رزمنده کرد اعلام میداریم و تا آخرین قطره خون خود در کنار آنان مبارزه خواهیم کرد."

پاره‌ای از شعارهای تظاهرات هرکندگان عبارت بودند از: زنان، سکن، آزادی. استبداد خونخواری، در لباس دینداری. ارتجاع وابسته نابود باید گردد، کردستان خود مختار ایجاد باید گردد. - انزلی، کردستان، پیوندتان مبارک - کردستان، کردستان، گورستان شمشیرستان - مرگ سوجاشه کسان، جاشه کرد فروشه کان، (مرگ برجاشه، جاشهای کرد فروش) - اتحاد، مبارزه، پیروزی لازم به ذکر است که در این تظاهرات بیش از ۱۰۰ نوع شعار تکرار میشد.

مضمون پارهای از پلاکاردها چنین بود: برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر، ولایت فقیه گشا، دترین کلاهی که سر مردم ایران نیرو، "خلق کرد مجلس فرمایشی خیرگان را محکوم میکند"، "دود هر شهیدان راه آزادی"، "خلق کرد خود - مختاری میخواد نه جنگ".

همچنین در بعد از ظهر همین روز پیش از ده هزار نفر از مردم سنج تا روستای "قره یان" که محل دفن یکی از شهدای کردستان بود، راهپیمایی کردند و بر مزار آن شهید گرد آمدند.

لازم به ذکر است احمد مفتی‌زاده این قهرمان نوکرات را روز چهارشنبه یعنی نهم آبان را روز عید قربان اعلام کرده بود و از مردم خواسته بود مغازه‌های خود را ببندند و به مسجد بیایند. اما روز چهارشنبه کلیه مغازه‌های شهر سنج باز بود و این خود مثنی بود در دهان مفتی‌زاده. ■

در تاریخ ۵۸/۸/۱۰ بنابعد عت قلیسی شیخ عزالدین حسینی رهبر ملی و مدعی کردستان، بیشتر از ۷۰ هزار نفر از مردم سنج و دهات اطراف آن در یک راهپیمایی و تظاهرات عظیم ویا شکوه شرکت کردند. این راهپیمایی که در نوع خود بی نظیر بود، به مناسبت تجلیل از شهدای کردستان و پشتیبانی از پیشمرگان قهرمان آن و اعتراض به جنایات دولت ضد خلقی در سراسر ایران بود.

خلق کرد که تاکنون شاهد بخون کشیدن خود در دین و عید سنتی یعنی عید نوروز و عید فطر بود، اینبار در عید قربان بعد از دادن قربانی. های بسیار نشان داد که حاضر به گردن نهادن به یوغ بردگی ارتجاع و امپریالیسم نیست. او نشان داد که خواهان ادامه انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی ایران است. خلق کرد نشان داد که میتواند در مقابل یورش مغول وار و فاشیستی رژیم ضد خلقی کنونی ایران مسلحانه از گلیه دستاورد بای قیام خونین خلق - های ایران دفاع کند. اما مرتجعین از شکستهای خود عبرت نمی‌گیرند. آنها به ما هشدار دادند که تظاهرات عظیم بازم در یلند. گویای ارتجاعی خود اعلام میدادند که خلق کرد طرفدار جمهوری اسلامی است و فقط عده‌ای ضد انقلابی!!! توطئه میکنند. زهی وقاحت و بی شرمی.

در روز عید قربان مردم مبارز سنج و دهات اطراف آن ابتدا در ساعت ۹/۵ صبح در میدان آزادی تجمع کرده سپس با حمل پلاکاردهای بسیاری همراه با دادن شعار در خیابانهای شهر دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند. هر لحظه بر تعداد راه پیمایان افزوده میشد. تظاهرات کنندگان سپس از محلات فقیرنشین شهر عبور کردند که با حمایت بی نظیر آنها روپوش شدند. در اکثر محلات فقیرنشین زنان و مردان با چشمانی پراز اشک شهادی باران کردند. در ساعت ۲۰/۱۰ دقیقه بود که هلیکوپتری در فاصله بسیار نزدیک از بالای سر مردم حرکت میکرد. مردم با مشاهده هلیکوپتر با دادن شعارهایی از قبیل توپ، تانک، تیاره، لامان ناداله م کاره (توپ، تانک، هوا، پیما، مارا از این کار منصرف نمی‌کند) - توپ، تانک، موشه لسه ل - نای شکنی همیزی که ل (توپ، تانک، مسلسل، را) یارای مقابله در مقابل قدرت خلق نیست) و همچنین با خواندن سرودهای ملی مانند که رقیب خشم و غضب خورد را نسبت به آنها نشان دادند. در ساعت ۱۲/۵ تظاهرات هرکندگان در "تایله" (گورستان شهدا) گرد آمده و یار دگر بای شهادی خود پیمان بستند که راه آنان را ادامه دهند.

لیبرالی و روبریونیستی در بین دانش آموزان، روجه سازشنا پذیری جنبش انقلابی دانش آموزان را حفظ نمابند. اما همانطور که اتحاد کمونیستها با دموکراتها به مفهوم نفی استقلال کمونیستها نیست و ضرورتی که کمونیستها در عین وحدت با دموکراتها استقلال خویش را حفظ کنند (زیرا کمونیستها پس از ایجاد جمهوری دموکراتیک خلق برخلاف دموکراتها که تنها تحت رهبری بزرگوار می‌توانند تا این مرحله همراهی کنند، متوقف نشده و برای آنکه در جهت محو هرگونه استعمار از انسان از حرکت نکنند لازم است که جمهوری سوسیالیستی یعنی حکومت کارگران و فقط کارگران را تأسیس نمایند) و این استقلال از طریق حزب طبقه کارگر یعنی حزب کمونیست تأمین میشود، به همان طریق دانش آموزان طرفدار مارکسیسم - لنینیسم نیز با بدستگاه مارکسیستی - لنینیستی خود را در ارتباط با سازمانها و گروههای مارکسیست لنینیست و با کمک و راهنمایی آنها بوجود آورند.

دانش آموزان طرفدار مارکسیسم - لنینیسم موظف هستند که برای انقلابی کردن هرچه بیشتر جنبش دانش آموزی، علاوه بر آنکه به تبلیغ و ترویج ایده‌های سوسیالیستی در میان دانش آموزان می‌پردازند، کوشش نمایند که جنبش دانش آموزی را به میان دانش آموزان مدارس جنوب و شهر و پیمان فرزندان زحمتکش بکشانند. آیا کسی هست که تفاوت میان دانش آموزانی را که در اثر بیکاری پدر مجبورند به روزنامه‌ها یا خرده‌فروشی در خیابانها بپردازند و حتی در بسیاری از موارد مجبورند به خاطر احتیاج خانواده دست از تحصیل برداشته و سرکار بروند، با دانش آموزانی که هر روز صبح با اتوبوس مدرسه میروند تفهیم؟ ... به اعتقاد ما، وظیفه تمام دانش آموزان طرفدار مارکسیسم - لنینیسم است که قاطعانه این پرده ضخیم و نفرت انگیزی را که نمایی - گدار جنبش دانش آموزی است به میان فرزندان زحمتکش کشیده شود، کاملاً از هم دریغ و ترکیب جنبش دانش آموزی را بنفع فرزندان زحمتکش تغییر دهند و این وظیفه، جز از طریق طرد گروهای غیرتوده‌ای و روبریونیستی، جز از طریق تبلیغ و ترویج و سازماندهی کمونیستی در میان فرزندان زحمتکش، میسر نیست. به موازات آنکه جنبش کمونیستی بندهای پیوند خود را با جنبش توده‌ای و در رأس آن طبقه کارگر مستحکم تر میکند، این وظیفه دانش آموزان طرفدار مارکسیسم - لنینیسم است که جنبش دانش آموزی را به میان زحمتکشان برده و آنرا استحکام بخشند. در آن صورت، جنبش دانش آموزی بصورت گلهای شاداب و پریش در خاک بیابانها درخشا هدامد که برخلاف گلهای باد و باران نبدیده، گلخانه‌ها که تاب مقاومت در برابر یورش بادهای بیابانی را ندارند، مستحکم و قاطع ایستاده و به پیگیری فرزندان زحمتکش را همچون استقامت خود زحمتکشان به تمام خلقهای ایران نشان خواهد داد.

"برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!"

"ما زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر"

۵۸ آبان ۱۱

"پیش بسوی ایجاد تشکلهای م. ل. دانش آموزی!"

"پیش بسوی ایجاد سازمانهای دموکراتیک دانش آموزی!"

"پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر!"

"تنگ و نفرت بر امپریالیسم و ارتجاع حامی آن!"

اخباری از:



جنبش دانش آموزی

بانه

مدارس شهر بانه بمنظور پشتیبانی از میادان انزلی، اعتراض به عدم تامین جانی برای معلمان و دانش آموزان مبارزو خواست آزادی زندانیان سیاسی، چندین روز در حالت اعتصاب بصری بودند. در این شهر مردم از روحیه مبارزه جویانه، بالائی برخوردارند و عکسهای بزرگی از شیخ عزالدین حسینی، در خیابان اصلی شهر نصب شده است.

مسجد سلیمان

اتحاد، اتحاد، شعار دانش آموز
سه شنبه اول آبان

دانش آموزان هنرستان صنعتی پس از مدتها اعتراض و تحن برای برآورده شدن خواسته های صنفی - سیاسی شان - چون بایستی اعتنائی مسئولان روبروی شوند بعد از دادن اولتیماتوم سرانجام اول آبان ماه در خیابانهای شهر دست به راهپیمائی می زنند. برخی از شعارها، چنین بود:

اتحاد، اتحاد، شعار دانش آموز
آگاهی، شکل دشمن ارتجاع است
شوراهای واقعی ایجاد بیدگردد
تحن، اعتراض، حق مسلم ماست
مرگ بر ارتجاع، شعار اصلی ماست
وای بروزی که شود آشکار

نقش شوی مرتجع جیره خوار
اداره مدارس زیر نظر شورا
مدیرانتصابی اخراج باید گردد
فرهنگ استعماری نابود باید گردد
و.....
آخرین خبر حاکی است که با برخی از خواسته های آنها توافق شده است.

سندج

اعتراض به محاصره
اقتصادی، نظامی میاها

دانش آموزان دبیرستانهای سندج به عنوان اعتراض به محاصره اقتصادی، نظامی شهر میاها از تاریخ ۵۸/۸/۵ بمدت سه روز اعتصاب نموده اند.

اهواز

دانش آموزان می رزمند
درختی از اعلامیه ای که توسط "گروهی از دانش آموزان مبارز" اهواز، تحت عنوان "رزمان پرخروش باد" انتشار یافته، چنین آمده است:

اغلب معلمان مدارس به پشتیبانی از دانش آموزان و با خواستهای: ۱- لغو حکم تبعید همکاران خود ۲- آزادی زندانیان سیاسی ۳- قطع یورشهای شبانه پاسداران برای دستگیری معلمان و دانش آموزان مبارز، دست به اعتصاب زدند.

تحن و اعتصاب بدنبال "قول" مقامات مبتنی بر لغو حکم تبعید معلمان مبارز تا ۱۵ آبان، روز سوم آبان بطور موقت پایان گرفت. در پایان تحن دانش آموزان با شرکت مردم اقدام به یک راهپیمائی و تظاهرات با شکوه کردند، بعضی از شعارهای آنها عبارت بود از: "کردستان تنه است، ایران بیا خیز"، "تا خون در رگ ماست، مبارزه راه ماست"، "انزلی کردستان پیوندتان مبارز"، "کاک فواد"، "کاک فواد، راه ادامه دارد" و... در پایان تظاهرات پاسداران به جمعیت حمله ور شدند و اقدام به تیراندازی هوائی نمودند. دانش آموزان و مردم با سنگ و چوب چنان به مقابله پرداختند که پاسداران با دادن دوزخی مجبور به فرار شدند پس از آن جمعیت با چوب و وسایل دیگر خیابانها را بستند و با آتش زدن چند لاستیک، ساعتها در خیابانها تظاهرات پرداختند.

مدرسه شدند. پس از تظاهرات، ۱۵ نفر از دانش آموزان به نمایندگی از طرف سایر دانش آموزان برای اعتراض به انتقال معلم مذکور به اداره آموزش و پرورش آمل رفتند ولی گفتگویشان با مقامات اداره و نیز اعمام هیئتی از طرف این اداره به ده و مذاکره در آنجا نتیجه ای نداد، و دانش آموزان هم از رفتن بکلاس خودداری کردند. آنها از رفتن بکلاس تا تاریخ ۵۸/۸/۵ (تاریخ ارسال خبر برای ما) ادامه داشته است.

که مجموعه در شرایط حالت غیرعادی و وضع اضطراری پیش آمده بود. و این خود باعث شده ارتجاع سراسیمه عقب نشینی کند و بر خلاف حرف رئیس آموزش و پرورش (حداد) که در اولین روز تحن گفته بود اگر تمام مردم ایران هم از شما پشتیبانی کنند ما رئیس دبیرستان را عوض نمی کنیم، نه تنها مجبور به تمویض رئیس دبیرستان شدند، بلکه حداد را هم برکنار نمودند. باقیه خواسته ها هم بطور ضمنی توافق شد. دانش آموزان بدنبال برآورده شدن یکی از خواسته هایشان که عاده حیثیت از طریق رادیو دانش آموزان بود، به سر کلاسها برگشتند. رادیو اهواز روز چهارشنبه ۸/۲ ساعت ۵ بعد از ظهر اعلامیه ای به این مضمون پخش کرد که متحین ضد انقلابی نبوده بلکه خواسته هایی داشتند که برآورده شد.

مریوان

اعتراض دانش آموزان به
تبعید معلمان مبارز

بدنبال تبعید ۹ تن از معلمان مبارز مریوان، بسیاری از دانش آموزان این شهر روز شنبه ۲۱ مهرماه در محل آموزش و پرورش متحن شده و خواستار لغو حکم تبعید آنان گردیدند. روزیکشنبه ۲۲ مهرماه، با ردیگر دانش آموزان بعنوان اعتراض به تبعید معلمان دست به تظاهرات زدند که طی آن چند نفر از معلمان دستگیر شدند. پس از این دستگیری دانش آموزان دو مرتبه در محل آموزش و پرورش متحن نشستند. تحن آنها روز ۲۶ مهرماه پس از مذاکره و با صدور قطعنامه ای با خواسته های زیر پایان گرفت:

۱- لغو حکم تبعید معلمان
۲- آزادی زندانیان سیاسی (بخصوص دانش آموزان زندانی)
دانش آموزان بدنبال بی جواب ماندن خواسته شان دوباره از روز دوشنبه ۳۰ مهرماه در محل سابق متحن شدند. در این میان

دیوگلا

در روستای دیوگلا از توابع آمل، دانش آموزان راهپیمائی بخاطر اعتراض به انتقال یکی از معلمان از این مدرسه که بنا بگفته دانش آموزان با توطئه رئیس و معاون مدرسه صورت گرفت. در روز دوشنبه ۵۸/۷/۳۰ از رفتن به کلاس خودداری کردند، و خواهان بازگشت معلم مزبور و اخراج رئیس و معاون

مسجد سلیمان

بدنبال اعتراض دانش آموزان دبیرستان مدینه رضائی به انتصاب رئیس دبیرستان و بی توجهی مسئولان آموزشی به خواسته های دانش آموزان، دامنه اعتراض به تحن در آموزش و پرورش میکشد که حدود ۲ هفته به طول می انجامد و در این مدت هر روز گروه بیشتری از دانش آموزان سایر دبیرستانها به تحن کنندگان می پیوندند، بطوریکه در هفته دوم از تمام دبیرستان ها گروههای شرکت داشتند و این در حالی بود که سپاهیان متغنی خدمت هم در همانجا متحن بودند و دیبله های بیکار هم در شهرداری تحن داشتند

رزممان پرخروش باد!

دانش آموزان مبارز و انقلابی!
امروز در مقطعی از تاریخ مبارزاتی
خلق قهرمان کشورمان پس از هفتاد و اندی سال
مبارزه خلعمان و پس از دادن ۷۰ هزار شهید
در حالی که توانسته ایم رژیم مغفور پهلوی
را ساقط کنیم و پس از اینکه توانستیم زخم -
هایی بر پیکر امپریالیسم آمریکا وارد کنیم ،
اکنون هیئت حاکمه بجای حفظ دستاوردهای
انقلابی که همه ما خلق نفوذ امپریالیسم و
ایجاد فضای دموکراتیک در سطح کشور است ، سعی
در گرفتن آن دستاوردهای دارد که خون بهای
هزاران شهید بوده است . هیئت حاکمه کنونی
از ابتدای پس از قیام با حمله به آزادیهای
دموکراتیک و ادامه رابطه با امپریالیسمها
نشان داده که منافش با منافع خلقهای ایران
در تضاد است . سرکوبی خلقهای کرد ، ترکمن ،
عرب در همین رابطه است که نشان میدهد
اینان که نمی توانستند نمی خواهند -
خواستهای برحق مردم ما را عمل بیوشانند
راهی جز سرکوبی ندارند .
در این اعلامیه که در پیشانی از غولت -
های دانش آموزان دبیرستان متحدین نوشته
شده ، قطعاً ما دانش آموزان دبیرستان محبوبه
متحدین نیز آمده است . متن قطعنامه چنین
است :

- ۱- آزار دادن فعالیت سیاسی در سطح دبیرستان ها
 - ۲- تشکیل شوراهای دانش آموزی برای دخالت و نظارت دانش آموزان در امور خود .
 - ۳- دبیرستان حق اخراج هیچ دانش آموزی را ندارد مگر با تصویب شورای مرکب از دانش آموزان و دبیران .
 - ۴- اخراج بندری جاسوس و جلوگیری از ایجاد چنین فضای برای رشد این عمل زشت و تنگ بار که چیزی جز تحکیم جاسوسی و غیربیمانی به شیوه های ساواک سابق نمی باشد .
 - ۵- اخراج مدیران انتصابی و انتخاب مدیریت توسط شورای مرکب از دانش آموزان و دبیران که تنها نمایندگان واقعی این محیط آموزشی میباشد .
- ما قاطعانه خواستار رسیدگی فوری به خواستهایمان هستیم و چون خواستهای خود را برحق میدانیم فعالیت سیاسی خود را در سطح دبیرستان مبتنی بر رعایت حقوق اصولی افراد آغاز می کنیم !!

عده کثیری از دانش آموزان دبیرستان محبوبه متحدین

چگونه دستاورد نوجوانان و کودکان کرد ما بعد از انقلاب ، بدست ضد انقلاب نابود شد

در تاریخ سوم بهمن ماه ۵۸ اعلامیه ای با عنوان بالا از طرف گروهی از اعضای کتابخانه "کلکجهار" منتشر شده که در قسمتها بی از آن می خوانیم :

"پس از قیام بهمن ماه ، همزمان با ایجاد مراکز فرهنگی - اجتماعی متعدد در شهر سنجند ، نوجوانان محله های مختلف شهر با کوشش و تقوی خود دستاورد پیشماری کتابخانه - حتی در کتبوسهای کوچک فلزی - ایجاد کردند که بعدها تحت نظر شورای هماهنگی کتابخانه های محلات سنجند کار این کتابخانه ها تنظیم نویسی بخود گرفت

از جمله این مراکز ، کتابخانه " کلکجهار " متعلق به محله فقیرنشین کلکجهار بود . ساختمان کتابخانه قبل از انقلاب محل سکونت یکی از جلادان فراری ساواک بود . ما با جمعی از بچه های محل این ساختمان را تصرف کرده ، با ابتکار خود و با جمع آوری مقادیر قابل توجهی پول - که در مواردی حتی از یک ریالی های توجیبی دوستان کوچکمان جمع میشد - به ترمیم ساختمان و تهیه کتاب و سایر وسایل مورد نیاز پرداختیم . با تحمل رنج بسیار و کوشش های پدیدریخ و شبانه روزی تمام مدوستان توانستیم در عرض مدتی کمتر از شش ماه کتابهای کتابخانه را به بیش از ۴۰۰ جلد برسانیم (بخاطر پرورش فکری دوستانمان و دادن امکان انتخاب وسیع به آنها ۴۰۰ جلد کتاب مذهبی نیز در کتابخانه جای دادیم) ... پدیدریخ زحمات ما نتیجه خود را نشان میداد . در عرض مدتی کوتاه عده ای بالغ بر ۱۶ نفر به عضویت کتابخانه ما درآمدند ...

اعلامیه پس از اشاره به سایر فعالیت های اعضای کتابخانه (غیر از کتابداری) مانند ، ارسال کتاب به روستاها ، ایجاد ارتباط بین کودکان و نوجوانان شهری و روستایی بمنظور ایجاد همبستگی هر چه بیشتر در بین بچه های منطقه ، ایجاد دسته های مطالعاتی ، انتشار نشریه ، ایجاد کلاسهای زبان کردی ، ایجاد کلاسهای جدیدی و تقویتی برای دانش آموزان



پاسداران حتی کتابخانه های دانش آموزان را هم به آتش کشیده اند .

بی بضاعت ، بخش اعلامیه و خبر در داخل محله و ... می افزاید : " همه این کارها شور و شوق عجیبی در بین بچه ها بوجود آورده بود ، و ... تا اینکه در سالگرد کودتای منحوس ۲۸ مرداد ، روزی که میبایستی پس از ۲۵ سال غفلان ، طمع آزادی و روشنایی را با تمام وجود حس میکردیم ... سیل "پاسداران انقلاب" به سنجند روانه شد . آنها هجوم آوردند تا بقول خودشان از انقلاب "حفاظت" ! کنند . ولی بدیدیم که چه "حفاظتی" ! کردند . تنها کارشان نابودی مراکز انقلابی و ایجاد رعب و وحشت بین مردم و کشتار انقلابیون بود و طاهرا هم "موفق" شدند (چه خیال باطلی !) . آنها حتی به دستاوردهای کودکان هم رحم نکردند (ارتجاع که کوچک و بزرگ نمی شناسد !) . آنها کتابخانه ها را یک بیک نابود ساختند و به آتش کشیدند . در این میان کتابخانه "کلکجهار" نیز از این "حفاظت" ! بی نصیب نماند . در یک چشم بهم زدن ما غتمان کتابخانه همراه با تمام کتابها و وسایلش دود و دود بپا رفت . حامل کوشش شبانه روزی دهها کودک و جوان که با هزار رنج و پدیدریختن فراهم آورده بودند - چشم آمدشان - طمع حریق شد . چرا ؟ مگر کتاب و کتابخانه ، بحث و روشنگری کار انقلابی بود ؟ ... می گویند آمده اند تا "فدا انقلاب" ! را در هم بگویند و حمله "مهاجمین" را مهار سازند ! ولی این حناها دیگر رنگی ندارند . غذا انقلاب واقعی را دیگر همه شناخته اند . نام و عناوین و بهانه ها - بشأن کسی را گول نمیزند . دیگر روشن شده است که آزادی مردم غار چشم که گمانی است . آیا غذا انقلاب کسی است که کتابخانه میماید یا آنکه آنرا دانش میزند ؟ قنات ساده است بعد از آتش سوزی کودکان محل بلافاصله جمع شدند و با نابوری چشم به آتش دوختند . در حالیکه اشک در چشمانشان حلقه زده بود و شادمانی رفتن گنجینه ای بودند که بسا آنهم زحمت بدست آمده بود . اشکی که نشانگر خشمشان بود .

فهمیدیم که دشمن شومی بردار نیست . دشمنی که مهر خدا انقلاب به پیشانی انقلابیون میزند ، خلق کرد را مهاجم مینامد ... دشمنی که ادعای " انقلابی " بودن دارد در حالی که حتی تحمل وجود یک کتابخانه محلی را هم ندارد ! ؟!

ما در ماههای اخیر آموخته بودیم که پیروزی آسان بدست نمی آید و دشمن سرکش و جان سخت است و مبارزه تنها راه پیروزی است اگر ارتجاع مدیا و هم دستاوردهایمان را بپا دهنده نابود سازد و زهر را با ایمان و تجربه ای بیشتر آنرا زهریتر خواهیم کرد و با شیوه های مبارزاتی جدیدتری دشمن را قدم بقدم غلبه خواهیم راند و بهمین ترتیب تا پیروزی نهایی که همان نابودی کامل دشمن است ادامه خواهیم داد .

اعلامیه سین با شمارهای زیر پان می -

پابد ؟
درود بر کودکان و جوانان مبارز و انقلابی
مرگ بر ارتجاع ! سلام بر آزادی !

(۳)

موسی صدر، امل، چمران و باند او را بشناسیم

- سازمان دست راستی امل که حتی یک عملیات علیه اسرائیل انجام نداده، امروز با انقلاب فلسطین می جنگد.
- خطر سازمان امل برای انقلاب فلسطین از کجا و به چه دلیل است؟
- کمکهای مالی و تسلیحاتی هیئت حاکمه ایران به امل برای مبارزه علیه انقلاب فلسطین، ماهیت دولت را برملا می کند.
- درگیری شدید بین امل و نیروهای انقلاب فلسطین در بیروت (۱۱ آبان) به چه معنی است؟

شهرلبنان بلکه یکی از محلات استوانی-یک بیروت است (بدست نیروهای دست راستی، در نتیجه توطئه "امل" بوقوع پیوست. علیرغم ادعاهای دروغین چمران و طباطبائی و دیگران درباره "نقش مبارزاتی" سازمان امل، باید گفت که این سازمان تاکنون حتی یک اقدام عملیاتی مسلحانه علیه اسرائیل و فالانز - بستها و در کنار مقاومت فلسطین و نیروهای مترقی لبنان نداشته است.

طی دوه سال گذشته در وضع سازمان امل تغییر چندانی بوجود نیامده بلکه روز بروز از سوی نیروهای مبارز در لبنان، بیشتر افتاد و گردید. اما با سقوط رژیم شاه و روی کار آمدن رژیم جدید در ایران و بقدرت رسیدن کمانشی مانند بزدی و چمران و قطب زاده، سازمان امل از کمکهای مادی و معنوی بسیار برخوردار گردید. علاوه بر استقبالی که از هیئت های سیاسی آن سازمان صورت گرفت و تسلیحاتی که بدین در ادبوتلو بیرون بیعت آن انجام شد، پایگاه های نظامی نیز در اختیار آنان قرار گرفت و "فالانز" های دست پرورده موسی صدر و چمران به آموزش نظامی "فالانز" های ایرانی پرداختند (متحمله در علی آباد جده قم). کمک مالی و تسلیحاتی که ناجوانمردانه و علیرغم خواست صمیمانه توده های ایرانی از انقلاسیون فلسطینی دریغ شده است، در اختیار امل قرار گرفت و سر طبق اطلاعات واصله هم - اکنون این سازمان در لبنان ۱۲ هزار نفر تحت سلاح دارد، در حالیکه تا یکی دو سال پیش به هزار هم نمی رسید. و در مناطق مختلف شیعه نشین یعنی شهرهای صور، بعلبک و بقاع و دهات آن مناطق و حتی برخی از محلات بیروت (مثلاً شیاخ) برای مقاومت فلسطین و نیروهای مترقی لبنانی موجب مزاحمت و حتی درگیری است. فعالیت های خرابکارانه سازمان امل که زیر نظر چمران و بانا شیدریم حافظ اسد و با دستگیری کسانی مانند صادق طباطبائی صورت میگردد، مشکل جدید و پیچیده و خطرناکی را علیه انقلاب فلسطین در لبنان بوجود آورده است. توضیح اینکه حفظ پایگاه در جنوب لبنان و پیوند هر چه عمیق تر با توده های لبنانی در جنوب (که عمدتاً شیعه هستند) برای



در حال توطئه علیه جنبش مقاومت فلسطین !

گاه با ممانعت و همکاری و کمک (۱) بمنظور محدود کردن و مهار کردن آن، و گاه با افشای مستقیم و غیر مستقیم آن، (و اخبار با گوشمالی دادن به آن)، اما امل نقش ارتجاعی خود را در حمایت از ارتجاع و سوریه به دلیلان در سال ۱۹۷۶ (۵۵) بخوبی نشان داد و همانطور که در مقاله پیش گفتیم سقوط محله شیعه (که بر خلاف ادعاهای دروغ مادی طباطبائی نه یک

(۱) - نمونه چنین موضعی، حرفی است که بوسیله بانچمران - طباطبائی از باسیر عرفات راجع به امل نقل میشود که عرفات گفته است: "فتح یعنی امل و امل یعنی فتح". به جرات میتوان گفت که کمترین انقلابی فلسطینی، اصولی بودن و جدی بودن چنین حرفی را باور نمیکند. هر کسی که با مملکت در چندین ساله برخی از رهبران فلسطین آشنا باشد می - فهمد که چنین سخنی ارسوی باسیر عرفات (که در شرایط بسیار احساس جنوب لبنان و در مراسمی که طرفداران موسی صدر و امل دو سال پیش بر پا کرده بودند، گفته شده است) تنها در چهار - چوب "مصلحت اندیشی" های تاکتیکی که برای خود آن رهبری معنی میدهد، صورت گرفته است. این حرف، آبرویی برای امل و باند چمران بار نمی آورد.

در دو شماره ۲۵ و ۲۷ پیکار مقاله ای را که حاوی اطلاعاتی از عملکرد سید موسی صدر، رئیس نایب بدیده شورای عالی شیعیان لبنان، بود آوردیم و زمینه وجود آمدن سازمان امل، اهداف ارتجاعی و ضد انقلابی آن و نمونه هایی از عملکرد آن در همکاری با رژیم سوریه جهت سرکوب انقلاب فلسطین در لبنان را مورد اشاره قرار دادیم و اکنون ادامه مطلب:

امل بعنوان جناح نظامی جنبش محرو - بین در سال ۵۳ در بین جوانان شیعه جنوب لبنان بوجود آمد. موسی صدرو همکاران او (در این مورد) چمران، با تکیه بر انگیزه های فرقه ای شیعی و با استفاده از جو انقلابی و رزمجویا - نه ای که در لبنان وجود داشت و حاصل پیوسته تبارش رسیدن تضادهای طبقاتی و ملی و گروه - بندی های اجتماعی جامعه لبنان بود، سازمان امل را پی ریزی کردند و هدف از آن: نه مقاومت مسلحانه در برابر اسرائیل که همه روزه روستا های جنوب لبنان را در معرض حملات زمینی، هوایی و دریایی خود قرار میداد (و میدهد)،

نه برای مقابله با اقدامات فاشیستی و حملات مسلحانه نیروهای دست راستی لبنان، نه برای حمایت از حقوق زحمتکشان جنوب از تجاوز فئودالها و سرمایه داران وابسته، نه برای حمایت از انقلاب فلسطین و همگامی و همراهی با نیروهای مترقی کسبه مشترکا چپ و واحدی را علیه آمریکا، اسرائیل و عمال آنان بوجود آورده اند،

نه برای مقابله با تجاوز نظامی سوریه به مقاومت فلسطین و نیروهای مترقی لبنان، بلکه برای حفظ نظام سیاسی حاکم بر لبنان که مبتنی بر فرقه گرا شیعی مذهبی است، بود. نظامی که در عین ماندگی، ارتجاعی بودن، فساد اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کم نظیر است. سازمان امل، جوانان نا آگاه شیعه را می فریفت و آنان را چون هیئتم به کوره اهداف ارتجاعی ای می انداخت که از آن جز فئودالها و بورژوازی وابسته شیعه، جز دست راستها و ارتجاع عرب و جز اسرائیل سود نمی بردند.

وظیفه سازمان امل، خرابکاری در اهداف مبارزه جویانه انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان بود و تا به امروز به پراکنی علیه نیروهای دموکرات و مترقی فلسطینی و لبنانی، شوراندن توده های شیعه جنوب لبنان علیه فلسطینی ها و مقابله با حق طلبیهای کارگران و کشاورزان جنوب و ممانعت از پیوستن جوانان شیعه به سازمانهای مترقی و جلوگیری از حمایت و پیوند توده های جنوب با انقلاب فلسطین، پیوندی که برای ادامه کاری انقلاب فلسطین نهایت اهمیت و ضرورت را دارد.

فلسطینی ها از خطر چنین سازمانی برای ۳۰ سال فلسطین و لبنان بخوبی آگاه بودند و همواره می کوشیدند بنوعی از خطر آن بکاهند.

بیاد دکتر حسین فاطمی، چهره دموکرات کابینه مصدق

" جنایات دربار پهلوی کرد ... خائن همیشه خائف است. کودتای اجنبی (علیه مصدق) وقتی نقش بر آب شد، شاه به اولین سفارت انگلیس پناه برد. شکر خدا را که آخرین پایگاه سی ساله انگلستان یعنی دربار پهلوی منهدم شد که جز اراده شما نمی توانست این کانون را منهدم کند".

ولی از آنجا که واقعاً ملزومات انهدام سلطنت از جانب مصدق و یاران فراهم نشده بود و نمی توانست هم باشد، گفته های شهید فاطمی در همان حد آرزو و آمال ماند. پس از کودتای ۲۸ مرداد، فاطمی مخفی شد و چند ماه بعد که دستگیر شد نسبت به او کینه توزانه ترین رفتارها را کردند. شعبان جعفری (بی مخ) در راه "دادگاه" به او چاقو زد و بعدها زمانی که ۴۰ روز از اعتصاب غذای اومی گذشت و در تب شدیدی میسوخت او را بر برانکار گذارده و به جوخه اعدام سپردند. یاد فاطمی شهید همواره در خاطره توده های قهرمان ما و در تاریخ مبارزات مردم ایران جاودان خواهد ماند.

" درود بر همه شهدای راه استقلال و آزادی"

۱۹ آبان ماه مصادف است با بیست و پنجمین سالگرد شهادت دکتر حسین فاطمی روزنامه نگار مبارز و سیاستمدار ضد امپریالیستی دوره نهضت ملی نفست. خلقهای قهرمان و مبارز ایران هرگز یاد این فرزند دلیر، صریح و سرسخت آن دوران را از یاد نخواهند برد. زنده یاد دکتر محمد مصدق درباره او گفت: "اگر ملی شدن صنعت نفت، خدمت بزرگی است که در مملکت شده باید از آن کسی که اول این پیشنهاد را نمود سپاسگزاری کرد و آن کس شهید راه وطن دکتر حسین فاطمی است".

در آن زمان که مبارزه ضد امپریالیستی توده های میهن ما برای استیفای حقوق ملت در زمینه ثروت نفت و در جهت قطع سلطه و نفوذ انگلیس ها و لانه جاسوسی آنها (دربار)، حلقه اصلی مبارزات مردم را تشکیل میداد، قزاق گرفتن فرد مبارز دموکرات و ضد امپریالیستی چون دکتر حسین فاطمی در پست وزارت خارجه، میتوانست در تندتر کردن آهنگ پیشروی مبارزات مردم موثر باشد. او در مخالفت صریح خود با دربار از همه همکاران خویش یک سرگردن جلوتر بود و در آن مرحله خواستهای ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی توده مردم را بیان میکرد. او در میتینگ روز ۲۵ مرداد ۳۲ گفت:

بهمان شکل و مضمون سابق، و ابقای کمانی مانند شاکر در اسارتش، تحویل ۲/۵ میلیارد دلار سلاح آمریکایی به ایران، نگهداری سفارت آمریکا و اسناد دنیا با آمریکا در ایران و منطقه بوسیله کمیته "تاشناخته" سفارت آمریکا، سرکوبی خلق کرد و... را در کنار هم بگذاریم دست داشتن در توطئه علیه انقلاب فلسطینی نه شکست انگیز، که بسیار رطیبی خواهد بود. آنچه نکات بالا در مورد خطر دارودسته فاشیستی امل را تا شاید میکند، خبر از درگیری ایست که خبرگزاریها روز جمعه ۱۱ آبان ماه از بیروت

فلسطینی ها بسیار حیاتی است و سازمان امل با قدرت و امکانات مالی و تسلیحاتی که پیدا کرده میتواند با توطئه ها و حادثه آفرینی های مکرر خود در قلع پیوند بین انقلاب فلسطین و توده های نا آگاه شیعه موثر باشد. از سوی دیگر رژیم سوریه خواهان تضعیف و مهار کردن وزیر نفوذ گرفتن انقلاب فلسطین و جنبش مترقیانه لبنان است، کاری که ادا مه همان سرکوب نظامی سال ۱۳۵۵ و ۵۶ است و سازمان امل میتواند با توجه به سابق و وابستگی خود به ارتجاع سوریه در آن نقش اساسی را داشته باشد. طی ماههای گذشته از این لحاظ چنان عرصه بر انقلاب فلسطین تنگ شده است که فلسطینی ها برای جلوگیری از خطر یک انفجار و درگیری بین شیعیان و نیروهای فلسطینی بارها از آیت الله خمینی استمداد کرده اند که شیعیان را به حمایت از انقلاب فلسطین تشویق نماید. ولی آیت الله خمینی علیرغم اینکه تاکنون سه بار ابتدا حجت الاسلام سجادی و دوبار هم نه خود را (که با اول آن اعلام شد) به لبنان فرستاده است ولی به این دلیل که عمدتاً بر بنام موسی مدروچمران و طباطبائی تکیه دارد - که این تکیه تصادفی هم نیست - از این سفرها فایده ای عاید جنبش فلسطین نشده است. ما در فرصتی دیگر از توطئه ای که علیه انقلاب فلسطین بوسیله رژیم حافظ اسد و دستیاران ندهای مشکوک داخل در هیئت حاکمه ایران، در جریان است پرده برخواهیم داشت و در اینجا تنها به این اشاره بسنده میکنیم که روابط گرمی که بین سوریه و رژیم ایران بوجود آمده و سفر پرسروصدای صادق طباطبائی به لبنان و نیز سفر عبدالخلیم خدام وزیر خارجه سوریه به ایران، حلقه هایی از توطئه آمریکا علیه فلسطین و لبنان را تشکیل میدهد. توطئه ای که انقلاب فلسطین به اشکال گوناگون سعی در خنثی کردن آن نموده است. هم اکنون از برکت وجود چمران و یاندا و در مراکز قدرت، سازمان امل که تا چند سال پیش گروهک غیر قابل محاسبه ای در لبنان بود، به هورت غده سرطانی خطرناکی برای انقلاب فلسطین در لبنان درآمده است. بر اساس اطلاعات بدست آمده سازمان امل در تهران، حوالی خیابان تخت طاووس دفتری مخفی هم دایر کرده است. و این در حالی است که نه حقوق دیپلماتیک را برای سفارت فلسطین قائلند و نه به جبهه خلق برای آزادی عمان و دفتر داده اند. اگر اقدامات مشکوک هیئت حاکمه ایران را از زمان بقدرت رسیدن تاکنون در نظر بگیریم و موضع گیریهای نظیر عدم لغو پیمان دوجا نیمه نظامی بین ایران و آمریکا، عدم افشای اسرار فعالیت های آمریکا و سازمانهای جاسوسی آن در ایران و منطقه، کوشش برای بازسازی ارتش

حفظ قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا، سند رسوائی هیئت حاکمه است

شیوه برخورد پرولتری با خرده بورژوازی؟

نقدی بر مواضع چریک‌های
فدائشی خلق در مورد طبقات
و نیروهای غیر پرولتری

انقلاب دمکراتیک به نیروی رهبری کننده این
انقلاب تبدیل خواهد کرد.

در مورد احزاب چپ خرده بورژوازی، وظیفه
کمونیست‌ها این است که بر مبنای تقسیم اقتصادی و
شبه سوسیالیستی و همچنین آئین‌های موجود در
افکار و ایده‌آل‌های خرده بورژوازی شهری و
دهقانان را که مبتنی بر تساوی و برابری طبقاتی
در زمینه تولید کالای است، برای پرولتاریا
توضیح داده و مابین طبقاتی پرولتاریا را از

"مسئله روش برخورد سوسیال دموکراسی
(کمونیستی) با احزاب بورژوازی یکی
از مسائل عام "یا تئوریک بشمار می
رود. یعنی از آن مسائلی است که
مستقیماً به هیچ وظیفه مشخصی که در
لحظه معین در مقابل حزب قرار می
گیرد مربوط نمی شود..." (لنین: شیوه برخورد به احزاب بورژوازی)

۱ - کمونیست‌ها و احزاب بورژوازی

در تاریخ جنبش بین‌المللی کمونیستی مسئله
نحوه برخورد به احزاب بورژوازی یکی از
سرچشمه‌های عمده اختلاف میان جناح‌های مختلف
جنبش کمونیستی، جناح اپورتونیستی و جناح
انقلابی پرولتری و از عمده‌ترین موارد مرز-
بندی کمونیست‌ها با اپورتونیسم و رویزیونیسم
است. "مثلاً حقایق ثابت تمام اختلافات و
مطابقت‌های تمام اختلافات اساسی همه اختلاف نظر
های موجود در مسائل مربوط به سیاست‌های عملی
پرولتاریا در انقلاب روسیه، اختلافی بود که
در برآورد ما از شیوه برخورد به احزاب غیر -
پرولتری وجود داشت." (لنین - شیوه برخورد
به احزاب بورژوازی)

برای اپورتونیست‌ها این مسئله است در
حوزه پراکتیک، نه یک مسئله "عام و تئوریک"
حال آنکه برای کمونیست‌ها، خیانت پیشگویی
بورژوازی لیبرال و تزلزل خرده بورژوازی در
انقلاب دمکراتیک از اصول "عام" بشمار می‌آید.
مثلاً روش برخورد سوسیال دموکراسی به
احزاب بورژوازی یکی از مسائل "عام" یا
"تئوریک" بشمار می‌رود. یعنی از آن مسائلی
است که مستقیماً به هیچ وظیفه مشخصی که در
لحظه معینی در مقابل حزب قرار می‌گیرد، مربوط
نمی‌گردد... جناح اپورتونیست حزب ما مانند
اپورتونیست‌های سایر احزاب سوسیال دمکرات
از یک دستور کار "اداری" یا "عملی" پشتیبانی
و دفاع می‌نمودند. آنان از مسائل کلی و عام
می‌ریمید و از یاد می‌بردند که در تحلیل نهایی
تنها سیاست کلی و مبتنی بر اصول هستند
که سیاست‌های واقعی و عملی را تشکیل می‌دهند.
فراموش می‌کردند که اگر کسی بدون آنکه قبلاً
مسائل عام را حل کرده باشد درگیر حل مسائل
جزئی گردد ناگزیر و در هر قدم بدون آنکه
خود تشخیص دهد، با آن مسائل عام برخورد
خواهند نمود. سیاست‌های کسی که هر بار به آنها
برخورد کور داشته باشد محکوم به بدترین
نوع نوسان‌های اولی‌ها است"

(لنین - شیوه برخورد به احزاب بورژوازی)
کمونیست‌ها پیگیرانه خیانتکاری ناگزیر
بورژوازی لیبرال در انقلاب دمکراتیک را برای
توده‌ها افشا کرده و فریبکاری وی را عقیق
می‌نمایند. کمونیست‌ها با ناپیگیری و تزلزل
خرده بورژوازی مبارزه کرده و در عین اینکه
تاما بر طبقاتی پرولتاریا و مالکین جز و با بیل
تولید را نشان می‌دهند، می‌گویند آنها را از
نفوذ لیبرال‌ها خارج نموده و به پشتیبانی از
موضع پرولتاریا بکشانند، تنها چنین سیاست
پیگیری، پرولتاریا را از آلوده، بورژوازی در

وظیفه‌اش که درگیر شدن در مبارزه مستقیم علیه
لیبرالیسم است آگاه نباشد، اگر برای
رهانیدن دهقانان دموکرات از نفوذ لیبرالیسم
مبارزه نکند، آنوقت سیاست‌های پرولتاریا
فی الواقع متغیر نیست. لنین

۲ - کمونیست‌ها

و احزاب رویزیونیستی
تاریخ جنبش کارگری همیشه شاهد رخه
انواع اپورتونیسم از نوع برنشتینی،
کائوتسکیستی و... در جنبش پرولتری بوده
است. در زمان ما با غلبه رویزیونیسم
خوشحالی بر حزب دولت شوروی و تبدیل
شوروی به یک دولت سوسیال امپریالیستی و نیز
غلبه رویزیونیست‌های نوپا و رنجا، عیسون
سه جهانی بردستگاه رهبری حزب و دولت چین،
رخه رویزیونیسم در جنبش بین‌المللی کم -
نیستی ابعاد دیراتر و وسیعتری یافته و جنبش

● "رها کردن ایده رهبری و قیاحت‌ترین نوع رفرمیسم است" (لنین)

● مبارزه با رویزیونیسم از کال مبارزه با امپریالیسم می‌گردد.
مبارزه با رویزیونیسم جدا از مبارزه با امپریالیستی، تنها سقوط در
مرداب تئوری رویزیونیستی سه جهان و سازش با ارتجاع و امپریالیسم
است.

پرولتاریا را در مقابل مسائل خطری قرار
داده است. امروزه، شوروی به یک قدرت امپری-
الیست و توسعه طلب تبدیل گردیده که در رقابت
با قدرتهای امپریالیستی غربی به یک سلاح
خاص خود نیز مجهز است و آن ردای "سوسیالیستی"
است که دقیقاً برای اندام امپریالیسم نو -
ظهور برش یافته و آشنای پوشاندن سوسیال
امپریالیست‌ها با طرح گذار مسالمت آمیز،
انقلاب را نفی کرده و قدرت نظامی و اقتصادی
شوروی را عامل عمده در گذار کشورها به سوسیال-
لیسم قلمداد می‌کنند. آنان نسخه "نوم" را
رشد غیرسرمایه‌داری را ساز کرده و آنرا تطبیق
خلق مارکسیسم - لنینیسم با شرایط کنونی
کشورهای وابسته جا می‌زنند. بموجب این سازش
ارتجاعی در کشورهای وابسته، احزاب کمو -
نیست باید از ایده رهبری انقلاب دموکراتیک
صرف نظر کنند و رهبری را به نمایندگان خرده -
بورژوازی که مگرشی "فوق طبقاتی" دارند
و اگر در گذشته تسلیم و دنباله‌رو بورژوازی
گردند، بر طبق این تزارتجاعی و فدرالیستی
جناح چپ بورژوازی به کمک حزب واحد و ارتش
میتوانند کشور را از رشد سرمایه‌داری معمولی
(در مدار وابستگی به قدرتهای مرسوم امپری -
الیستی غرب) به راه رشد غیرسرمایه‌داری،
(که چیزی جز دولتی کردن بخشی از اقتصاد به نفع
کل طبقه سرمایه‌داری نیست) سوق دهد. و صد
البته عامل عمده در چنین تحولی قدرت اقتصادی
و نظامی شوروی است. این رهبران "ما فوق
طبقاتی" تنها با ایجاد روابط وسیع با زرگانی،
سیاسی و نظامی و استفاده از "کمک‌های" شوروی
است که میتوانند در راه رشد غیرسرمایه‌داری
گام بردارند و لا غیر! زیرپوش همین سازش
سوسیال امپریالیستی است که ما امروزه از

را دی‌کال ترین اقترا خرده بورژوازی توضیح
دهند. در هنگام برآمدن جنبش توده‌ای، گریه
پرولتاریا به خرده بورژوازی دموکرات علیه
استبداد لیبرالیسم خیانت پیشه اشتراک عمل
خواهند داشت. ولی کمونیست‌ها در سازش و همکاری
با احزاب غیر پرولتری هیچگاه امتیازات اید-
ئولوژیک نداده و هرگونه انحرافی از برنامه
و تاکتیک پرولتری را قاطعانه رد می‌کنند.
کمونیست‌ها هیچگاه ایده رهبری را فراموش
نخواهند کرد. "رها کردن ایده رهبری و قیاحت -
ترین نوع رفرمیسم است - لنین." کمو -
نیست‌ها در هر گونه سازش و عمل مشترک با
نمایندگان طبقات غیر پرولتری، آنی از
توضیح ماهیت واقعی و موقتی این وحدت،
ماهیت این احزاب و منافع طبقاتی این که
نمایندگی میکنند، برای پرولتاریا، غفلت
نخواهند کرد و در مقابل هر گونه تزلزل و سازش
احزاب و نمایندگان خرده بورژوازی دموکرات
با لیبرالیسم، سازشکاری و تزلزل آنها را
برای توده‌ها افشا کرده و آنها را برای
پشتیبانی از موضع پرولتاریا و خارج ساختن
از نفوذ بورژوازی لیبرال تحت فشار قرار
خواهند داد و به توده‌ها نشان خواهند داد که
تنها دموکراسیم پیگیر پرولتاریا است که نه
تنها از منافع این طبقه بلکه از خواست‌های
دموکراتیک کلیه طبقات خلق دفاع خواهد کرد.
کمونیست‌ها شعور طبقاتی پرولتاریا را پرورش
داده و استقلال سیاسی واقعی وی را در مقابل
کلیه طبقات غیر پرولتری تأمین می‌نمایند.
بدون پیگیری چنین سیاستی هرگز نمیتوان
از استقلال ظل پرولتاریا حتی سخن هم به
میان آورد. اگر پرولتاریا از این گرایش
لیبرالیسم (کوشش برای متوقف کردن
انقلاب) بی‌خبر باشد، اگر پرولتاریا بر

در ابتدای مقاله نشان می‌دهد، "اگر کسی بدون آنکه مسائل عام را حل کرده باشد درگیر مسائل جزئی گردد تا اگر برود هر قدم بدون آنکه خود تشخیص دهد با آن مسائل عام برخورد خواهد نمود. سیاستهای کینیک هر بار به آنها برخورد کور داشته باشد محکوم به بدترین نوع نوسانهای وسیع اصولی‌هاست."

۲- مبارزه با رویزیونیسم از کانسال مبارزه با امپریالیسم میگذرد. مبارزه با رویزیونیسم جدا از مبارزه با امپریالیسمی تنها سقوط در مرداب شوروی رویزیونیستی به جهان و سازش با ارتجاع و امپریالیسم است. کمونیستها باید به نحو خستگی‌ناپذیری خیانت‌پیشگی رویزیونیستها را افشا کرده و ردای فریب‌ورایی "سوسیالیستی" را از پیکر ماهیت بورژوازی آنان ایزم بکنند. ماهیت مدخلی و وابستگی محتوم آنان را به سوسیال امپریالیسم و سازش با امپریالیستهای غربی به اعضا و هواداران آنها و نیز توده‌ها نشان دهند. ما از این بدعا میانه وسطی که در مبارزه علیه این خربانیات رویزیونیستی با اطلاق "وابستگی" و حتی "جاسوسی" سوسیال امپریالیسم نامیدن رهبران رویزیونیست گریزان خود را از پاسخگویی به مسائل تئوریک و عملی غافل می‌کند، شدیداً پرهیز می‌کنیم. چنین دیدی نشانه کوتاهی بینی است. این وابستگی در حلقه اول و اصولاً طبقاتی و آرمائی است. به همان گونه می‌گوئیم سرنوشت محتوم بورژوازی لیبرال خیانت به انقلاب و سازش با ارتجاع و امپریالیسم است، رویزیونیستهای خائن به توده‌ها نیز که پوش "سوسیالیستی" را بر سر ماهیت ضدپرولتری خود کشیده‌اند، برای کسب قدرت و حفظ خود در برابر قدرتهای امپریالیستی راهی جز سازش با امپریالیسم و وابستگی به سوسیال امپریالیسم ندارند.

ادامه دارد...

اینان فرصت طلبانه تنها بدنبال فرصت‌هایی برای آنچنان تحولات احتمالی هستند که زمینه را برای تصرف دولتی توسط آنها (بهر و نیل) شده و معمولاً "انقلابهای کاخی" فراهم کنند. "سوسیالیسم" آنان هیچگونه قریابتی با سوسیالیسم پرولتاریا ندارند و شمام هدف آنها و تلاش‌شان برای تصرف قدرت اینست که طبق "راه رشد غیرسرمایه‌داری" کشور را به "کمک" شوروی به سوی "سوسیالیسم" (بخوان وابستگی به سوسیال امپریالیسم) ببرند. رویزیونیستهای به جهانی نیز تحت پوشش عمدگی خطر سوسیال امپریالیسم به انواع توطئه‌های ردیالانه بر علیه انقلاب دست زده و عمل‌نقش یک داوودسته خدمتگزار و نوکر امپریالیسم و بورژوازی را بخود اختصاص داده‌اند. این خربانیات رویزیونیستی تحت پوشش "مارکسیسم لنینیسم" با تبلیغ سازش طبقاتی و نفی انقلاب خائنه در جهت انحراف جنبش زحمتکشان و تبدیل آن به سازشده بورژوازی و سوسیال امپریالیسم تلاش میکنند، از این دستون پندیم نورژوازی و سوسیال امپریالیسم در جنبش پرولتاریا هستند. این خربانیات رویزیونیستی مفاضا و هواداران خود را از طبقی از خرده بورژوازی مرفه بوروکرات، روشنفکران لیبرال و عناصر سرمایه‌دار "طرفدار طبقه کارگر" (از نوع حزب توده‌ای آن) و راستو - کراسی کارگری و اقلیتی از کارگران ناآگاه بر می‌کنند. امروزه ما شاهد نفوذ سوسیال امپریالیسم و رویزیونیسم به جهانی برره‌ری بخشی از جنبش توده‌ای و پرولتری در سطح جهانی هستیم. موقع کمونیستها در مقابل این خربانیات رویزیونیستی، بویژه آنها که در جنبش توده‌ای و پرولتری رخنه کرده‌اند چه باید باشد؟

۱- مبارزه با امپریالیسم و مبارزه در راه سوسیالیسم از مبارزه با بورژوازی و با یورژونیسم جدا نشاید. این یک قانون "عام" و "تئوریک" است و همچنانکه نقل قول لنین

طرفی تا بدینجانبی شوروی از انواع رژیمهای منلیتاریستی و مدخلی و آراستن این رژیم‌ها با طایفه فریب‌بند "غیرسرمایه‌داری" بوده و از طرف دیگر شامدا ستشما زحمتکشان این کشورها و غارت منافع آنها توسط سوسیال امپریالیسم شوروی و بورژوازی "خودی" هستیم.

رویزیونیستهای به جهانی نیز تحت پوشش مبارزه با سوسیال امپریالیسم به تمام معنی به مارکسیسم-لنینیسم پشت کرده و هر گونه سازشی را با ارتجاعی ترین رژیم‌ها تمویز کرده و انقلاب و مبارزه طبقاتی را به طاق نسبان کوفته‌اند. رویزیونیستهای چینی که میخواهند در خیانتکاری به پرولتاریا و خلقها گوی سبقت از سوسیال امپریالیستهای شوروی بر بایند، امپریالیستهای اروپائی را متحد خلقها قلمداد کرده و امپریالیسم آمریکا را بی خطرتر از امپریالیسم شوروی معرفی می‌کنند. رویزیونیستهای به جهانی نیز خائنه به سازش و توطئه چینی علیه انقلاب در سراسر جهان مشغول بوده و به زانده امپریالیسم آمریکا تبدیل گشته‌اند. رویزیونیستهای به جهانی فرق ماهوی با سوسیال امپریالیستهای شوروی نداشته و رهبری کنونی چین بر آنست که با برنامهای توسعه طلبانه اقتصادی و نظامی تا پایان قرن، چین را بیک قدرت عمده سوسیال امپریالیستی تبدیل کند و در این راه از هیچ گونه زدن و سوزانی با امپریالیسم آمریکا ابا ندارند.

در کشور ما "حزب توده" مشخص ترین جریان رویزیونیستی مدرن و نماینده سوسیال امپریالیسم شوروی است. علاوه بر این، جریان رویزیونیستی مدرن در درون حزب دموکرات کردستان غیرمغیر "مارکسیست" دانستن خود و ادعای "دموکرات" بودنش دارای نفوذ و عملکرد با رزم مشخصی است، "سازمان انقلابی و اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر" و... نماینده رویزیونیسم نوع به جهانی است. ولی بر ما است که با نگاه اجتماعی و نیروی عینی این خربانیات را توضیح داده و سیاست کمونیستها را در مقابل آنها روشن نمائیم. در رابطه با این دو جریان ضدپرولتری ما میان رهبری خائنه که رو قدرت طلب و توده‌ها و ناآگاه و فریب خورده دنباله‌رو آنها، فرق اساسی قائل هستیم. با مبارزه پیکر علیه این سازمانهای ضدپرولتری و مبارزه با سیاستها و نظرات ضد مارکسیستی-لنینیستی حاکم بر آنها است که توده‌ها و ناآگاه و تحت نفوذ نظرات آنها به صفوف نیروهای انقلابی خواهند پیوست.

نمایندگان بورژوازی در رهبری "حزب توده" تحت پوشش مارکسیسم لنینیسم می‌کشند با رخنه در جنبش پرولتاریا، جنبش توده‌ای را به انحراف گشاده و نیروی توده‌ها را وسیله نیل به قدرت قرار دهند. آنها با سیاستهای پراگماتیستی و خائنه خود به انواع زد و بندها با هیئت حاکمه و ارتجاع خرده بورژوازی دست زده و می‌کشند با مثله‌گری بورژوازی پرولتاریا را بزا شده بورژوازی تبدیل کنند.

تفرقه اندازی بین ختی سلاح امپریالیسم است



بقیه از صفحه ۱

ارتجاع در سواشیمی انفراد

ما عکس العملهای اعتراضی درون هیئت حاکمه که در ادامه روند خود همچنان به کشته شدن عناصرو جناحهای بیشتری از رژیم که با عملکردهای ارتجاعی آن به مخالفت برخاسته اند می انجامد، قبل از آنکه از موضع دموکراتیک و مترقیانه صورت گیرد، بازتاب تناقضات درونی سیستم حاکم برجامعه می باشد. نظام سرمایه داری وابسته ایران بنا بر ماهیت انگلی خود بنا بر آنکه اساساً خارج از ضرورت ها و نیازهای درونی جامعه، شکل گرفته و نهادهای خود را تحمیل کرده است، محتاج وجود دیکتاتوری است و از این رودلشی که نمی خواهد این نظام سرمایه داری وابسته را از بین ببرد، بلکه می خواهد آنرا حفظ کند، نمی تواند طیف وسیعی از عناصر مرخده بورژوا و لیبرال، مرتجع و سرسپرده را برای دیر زمانی دربرگیرد. و در برابر زودینا چاردراین طیف تکاف خواهد افتاد. اگر اتحاد میان بورژوازی وابسته، بورژوازی لیبرال و مرخده بورژوازی (چه مرتجع و چه غیر آن) در شکل گیری رژیم جدید زمانی می توانست تنها راه نجات حفظ سیستم موجود در ایران و دستیابی بهای منافع امپریالیسم در ابعاد محدودتر و با ضربه پذیرتری کمتر باشد، امروز این اتحاد خود به ضد خویش بدل شده و بصورت مانعی در مقابل ارائه یک سیاست کم و بیش انجام یافته و یک دست در زمینه های مختلف سیاسی - اقتصادی درآمده است.

رژیم کنونی با توجه به وجود جناحهای مختلف، چنگا نگی قدرت و شیوه های گوناگونی که در برنا مریزی اقتصادی - سیاسی در پیش گرفته میشود آشفتگی بزرگی را در دل خود جای داده است.

جنبش توده ها و تشدید بحران

از طرف دیگر رشد مداوم آگاهی توده ها و آوج گیری جنبش توده ای و اعتلای نویسن جنبش انقلابی که ابعاد تازه ای از آن پیش رویان قرار گرفته خود عامل نیرومندی در سردرگمی و نوسانات درونی هیئت حاکم گشته است، بطوریکه هر جناح برای خود سازی می زند و این را در متن استعفانامه دکتر ساسی که پیوسته محبت از عدم وجود یک سیاست واحد، عدم هماهنگی و عدم تجانس در برنا مه های دولت می نماید، می توان بخوبی دید.

وقتی سخن از اختلافات و ناهماهنگی های درون هیئت حاکمه می رود، نباید توجه اشتراک اساسی و عامل نیرومندی که در حال حاضر تمام جناحهای درونی رژیم را یکدیگر و در جهت حفظ سیستم سرمایه داری وابسته و منافع امپریالیسم پیوند می دهد، از یاد ببرد و نباید از یاد برد که با چنین پیوندی آنان در عمل در مقابل خلق قرار دارند.

لیکن مطلب بر سر آنست که یک شیوه و یک روش با لحنیه همگون در این زمینه وجود ندارد. اگر در رژیم شاه همه جناحهای هیئت

حاکمه بطور مستقیم و کم و بیش یکپارچه ای منافع امپریالیسم را حامی بودند، امروز با عملکردهای غیر مستقیم، نوسانی و ناهمگون نیز در جهت حفظ این منافع در درون هیئت حاکمه و بیرومیها شیم. سیاستهای اقتصادی بورژوازی وابسته که خواهان حفظ مستقیم منافع امپریالیسم به گونه ای نظری رژیم شاه می باشد، طبیعتاً با شیوه ها و روشهای سیاسی جناح مرخده بورژوازی و با طیفهای مختلف بورژوازی لیبرال در هیئت حاکمه متفاو است، اگرچه یک خط مشترک همه آنها را در چارچوب نظام سرمایه داری وابسته پیوند می دهد. در بیان این اختلافات بعنوان مثال می توان از "ملی کردن بانکها" یا "بیمار ت بهتر دولتی کردن بانکها و برخی صنایع نام برد که گرچه در اساس وابستگی اقتصادی تغییر نداد لیکن شیوه ای نبود که مورد پسند بورژوازی وابسته قرار گیرد.

راه حل های محکوم به شکست

در این میان راه حل های بینا بینتی، رفرمیستی و اتوپیک عناصری از مرخده بورژوازی نظیر دکتر ساسی که بخیال خود خواهان رفرمیهای وسیع در چارچوب حفظ نظام موجود می باشند از همه ضعیف تر بنظر می رسد. طرح "طب ملی" که از سوی دکتر ساسی پیشنهاد شد و مورد حملات ارتجاعی بورژوازی واقع گشت خود نمونه ای است که نشان می دهد در بطن سیستم گندیده سرمایه داری وابسته ایران ارائه چنین تزه های تخیلی محکوم به شکستی اجباری است. دکتر ساسی با طرح چنین تزه های تنها می خواهد تسکین موقتی برای اوضاع بحرانی سیاسی جامعه بیابد، لیکن تجویز چنین درما نهایی نیم بندی نه تنها از سوی جنبش انقلابی توده ها را ندهد میشود، بلکه به لحاظ ناخوانی و ناکارگاری آن با ملزومات و نیازهای سرمایه داری وابسته از سوی خود هیئت حاکمه نیز پس زده میشود. بی جهت نیست که چنین طرحهایی از جانب هیچ جناحی در هیئت حاکمه قویاً حمایت و پشتیبانی نمی گردد. البته این احتمال که بر اثر رشد بیشتر مبارزات توده ها و واگیرگی بیشتر جنبش انقلابی، رژیم به انجام اصلاحات و رفرمیهای وسیع تر و در واقع عقب نشینی بیشتر دست زندگاملا وجود دارد، همچنانکه در مقابل قاطعیت و سرخشی انقلابی و دلیرانه خلق کرد عقب نشست و با وجود عدم تمایل خود به "شوراها" در حرف بدان تن داد. اما تاریخ نشان داده است که توده ها هرگز برای زمانی دراز قریب نخواهند خورد، گرچه همین قدرت - نمایی خلق، رژیم را با زهم سبقت نشینی بیشتر وادار کند.

خطر همچنان باقیست

اما اگر امروز راه حل های اتوپیک، اصلاح طلبانه و بینا بینتی عناصری نظیر دکتر ساسی با شکست مواجه گشته است و این نیروها از شرکت در کابینه دست می کشند، باید توجه داشت خطری که این نیروها در خوش بوری و در توهم گدازدن مردم دارند، نه همچنان بر سر جای

خود باقیست. چرا که اگر تا دیروز اینان با توجه بسوابق و محبوبیت نسبی خود در بین مردم، با شرکت خود در کابینه توده ها را نسبت به دولت خدا نقلایی در خوش بینی نگه میداشتند امروز نقش خود را به نوع دیگری بازی میکنند: آنان در شرایطی که اعتماد و توهم توده ها نسبت به هیئت حاکمه در حال فرو ریختن است میتوانند با توجه به مخالفت ها شی که با رژیم میکنند، در پیش توده های مبارز کسب اعتبار کنند و به عنوان جانشینان آینده رژیم کنونی حساب آیند.

سخن بر سر نفی و انکار واقعیت اختلاف اینان با هیئت حاکمه نیست، بلکه مسئله آن است که توده های زحمتکش و مستعبد خلق مسا نسبت به ماهیت واقعی اینان، سازشکاری و ناپیگیری شان واقف باشند و تجربه ای که به یکبار با اتحادیه آیت الله خمینی و دیگر رهبران مذهبی جنبش انقلابی توده ها از سر گذرانند، دگر بار تکرار نشود. باید از دکتر ساسی و امثال او که به مخالفت با سیاستهای ارتجاعی رژیم پرداخته اند پرسید، شما شنبت با "سنگرمبارزاتی" خود را به دل کابینه ضد انقلابی آقای بازگان ورژیمی بردید که عملکردهای ضد خلقی آن اگر نه برای توده های وسیع حداقل برای نیروهای آگاه و دموکرات دیگر روشن شده بود. شما با پذیرش رهبری آیت الله خمینی که سیاست و موضع واقعی خود را بصراحت و بارها تاکنون اعلام داشته است و با تکیه بسیار بر آن (۱)، پذیرش سیاستهای ارتجاعی و ضد خلقی هیئت حاکمه، پذیرش جناحیات رژیم در کردستان، خوزستان، انزلی و... و حتی انتقاد به شیوه های بظا هر مردم پسندانه رژیم از موضع کاملاً بورژوازی (۲) در واقع بهمان "سنگرمبارزاتی" خود نیز پشت گردید و اکنون که به اعتبار واگیرگی دوباره مبارزات توده ها، عمق و وسعت بحران روشن شدن عمل کرده های ضد خلقی رژیم سمیزان وسیعی در نزد مردم، موقعیت رژیم روز بروز ضعیف تر شده و اعتبار آن در نزد توده ها روبه افول می رود صحبت از تغییر سنگرمبارزاتی می نماید. (۳) آیا سازشکار رهبران مذهبی با بورژوازی لیبرال و وابسته و در واقع سازشکار آنها با امپریالیسم در همان بطن قیام برای درک ماهیت واقعی میوه چینی انقلاب کافی نبود و حتماً شما می بایست در عملکردهای خدا نقلایی و ضد خلقی که از سوی رژیم در طی ۸ ماه گذشته اعمال شده است، شرکت می کردید تا سرانجام بعد از این مدت زمان طولانی درک کنید که "سنگرمبارزاتی" خود را در کجا بنا کنید؟ و آیا این جز تزلزل و ناپیگیری آشکار شما را به آنچه اعدا دارید، نشان می دهد؟ و آیا توده های ما با تجربه کردن شما در عمل به این "سنگرمبارزاتی" به دیده تردید و مشروط نگاه نخواهند کرد؟ و نخواهند گفت که این چگونه "سنگرمبارزاتی" است؟ که ۸ ماه تمام در خدمت دشمنان مافراد داشته است؟! بقیه در صفحه ۱۲

(۱) : "تنها راه نجات انقلاب، نگاه داشتن امام در میان مردم است تا اینان از خواستهای

یاد کاک فواد، پیشمرگه کبیر، همواره به قاب خاطره ها باقیست

گزارشی از مراسم بزرگداشت رفیق شهید فواد مصطفی سلطانی

روز پنجشنبه ۵۸/۸/۱۰ بمبوان بزرگداشت یادواره رفیق شهید فواد مصطفی سلطانی عضو کادر مرکزی سازمان انقلابی زحمتکشان کرد - ستان و سایر شهدای خلق کرد و نیز تحکیم پیوند مبارزات جنبش دانشجویی و زحمتکشان سراسر ایران، مراسم به همت دانشجویان مبارز، طرفدار آزادی طبقه کارگر، و با شرکت هزاران نفر از دوستداران و پشتیبانان خلق کرد و سایر خلقهای تحت تسلط ایران در سالن ورزشی دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد.

شوربزرگ و مردانه کاک فواد در متن سخن همچنان در آواخ، بالای تریبون ویلاگرد - هاشی با مضمون: جاودان با خاطره رفیق فواد سلطانی، شهید بزرگ خلق کرد - مبارزات خلق کرد: تا دم مبارزه و فدا مهربانیتی، ضد ارتجاعی خلقهای ایران است - هیئت حاکمه با کشتار خلق کرد، ماهیت مداخلی خود را نشان داده است... به سالن شکوه غامی داده بود. در ابتدای مراسم جمعیت به احترام رفیق فواد دود بگوشه های باغ و یک دقیقه سکوت کرد. پس از آن سرود (شرفیاب) بوسیله گروه کر خوانده شد و جمعیت آنرا همراهی نمود. سپس پیام دانشجویان مبارز خوانده شد که در زیر قسمتهای آنرا ملاحظه میکنید:

"دوستان، رفقا! امروز ما در اینجا گرد آمده ایم تا خاطره رفیقی را پاس داریم که نامش پیوسته در تاریخ خلق کرد و زحمتکشان سراسر ایران جاودانه خواهد ماند... فواد با خلق شمدیده کرد در اتحادیه های دهقانی زنده است، فواد در راه - پیمایشی اعتراضی زحمتکشان مریوان زنده است، تا به مهربانیت و ارتجاع همدار دهد که خلق همچنان می زند... فواد در ده - کوره های کردستان میتوان شناخت هنگامیکه کثارت میگوید: "اگر میشد هر سه پسر مرا می - دادم و فواد را پس میگرفتم!"... آموزشده کرد - ستان بر چرخ خونین مبارزات فدا مهربانیتی - ضد ارتجاعی به هزار آذر آمده، و بزودی آنرا دیگر خلقها در سراسر پهنه ایران می گذرانند. زمانی که خلق کرد، دیگر زحمتکشان را در کنار خود خواهد یافت و خشم خلق سراسر پهنه را فرا گیرد و سرنوشته دیگر محکومین تاریخ را تقدیم این مرتجعین کرده و درس عبرت تاریخ را به آنان می آموزد."

بعد از آن، پیام سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران به دانشجویان مبارز خوانده شد که در زیر قسمتهای آن را میآوریم:

"هر شب ستاره ای به زمین میکشند و باز این آسمان غمزده غرق ستاره هاست هم پهنان مبارز!

درست دوماه نیم از هجوم اشغالگران برتجع به کردستان می گذرد. دوماه ونیمی که تخمین کنند در زندگی خلق کرد و سایر خلقهای پیرانست... یکی از فرزندان

دلبر خلق کرد کاک فواد بود که سالها با رژیم جنایتکار پهلوی مبارزه کرد، و مدت چهار سال در زندانهای مختلف (از سال ۵۷ - ۵۳) به مبارزه ادامه داد. کاک فواد از بنیانگذاران سازمان ما بود، پیوند او با مبارزه بوده ها باعث شده بود که همیشه بتواند تحلیلهای مشخص از شرایط مبارزه را بدهد، که نقش ارزنده او را در مبارزه طبقاتی و ملی ایران مشخص می نمود و همیشه سعی داشت شیوه های مبارزه را از کارگران و دهقانان فرا گیرد. کاک فواد شرکت فعالی در جمعیت مبارزات دهقانان مریوان داشت که بر اساس این جمعیت بود که شمار تشکیل اتحادیه های دهقانی و ایجاد نیروهای پیشمرگه برای اتحادیه ها از طرف سازمان زحمتکشان مطرح شد. او زندگی را وقف انقلاب یعنی امرشده ها کرده بود و در این راه جانفشانی فدا کرد. در جریان

جنگ وقتی چند رفیق عضو سازمان در مریوان اعدام شدند و فشار شدیدی روی پهلش - مرگ ها وارد شده بود، در نتیجه این عوامل تشکیلات مریوان انجام سابق را از دست داده بود، کاک فواد برای شکل دادن به مبارزه توده ها راهی مریوان شد. و در برکت روز ششم شهریور ۵۸ وقتی از مریوان عازم بانه بود در نزدیکی پاسگاه نظام مریوان - سقز - بانه همراه چند نفر از همزمانش به محاصره افتاد و بعد از حدود ۲ ساعت مقاومت و کشتن بیش از ۲۵ نفر از پاسداران و آجا های محلی بالاخره بوسیله گلوله کالبر ۵۵ که از هلیکوپتر شلیک شد به شهادت رسید. بعد از شهادت کاک فواد با وجود ضربات متعددی که ما بدش وارد آوردیم و بمباران فانتوم ها و پرتاب راکت بوسیله هلیکوپترهای دشمن هیچ کدام از رفقای ما کشته نشده اند و تنها چند نفر از پیشمرگه های سازمان زخم سطحی برداشته اند. ما را شهید فواد و سایر شهدای خلق کرد و خلقهای ایران را ادامه میدهم و بقول انقلابی کبیر رفیق هوشی مین: "ما از مرگ نمی هراسیم، چون برنج را می چاهوا" هر سال در میوشویم و سال دیگر بر بارش می روئیم."

سومین پیام، پیام خانواده شهید عزیزی بود و سپس پیام گروهی از کارگران دارو پخش و بعد پیام دانشجویان پیشگام قراشت گردید و به دنبال آن پیام پرسنل انقلابی نیروهای مسلح (افسران نیروی دریایی) خوانده شد.

آنگاه کارگران بیکار طی پیامی پشتیبانی خود را از مبارزات حق طلبانه خلق کرد اعلام کردند و پس از آن پیام جمعیت کردهای مقیم مرکز خوانده شد. در این روزها میهای همبستگی زیادی واصل شده که بزرگوار آنها اکتفا نمیشود. در فواصل قراشت پیامها سرود - های انقلابی بوسیله گروه کر به اجرا درآمد. سایر پیامها عبارتند از:

- ۱ - پیام پیشمرگان کومله مریوان
- ۲ - گروهی از کارگران بیت سازی شهران
- ۳ - گروهی از کارگران شیشه سازی مینا
- ۴ - گروهی از کارگران تولید دارو
- ۵ - کارگران بیکار مینوساک
- ۶ - گروهی از کارگران اکباتان
- ۷ - گروهی از کارگران استارلایت
- ۸ - مبارزین آزادی طبقه کارگر
- ۹ - گروه کار
- ۱۰ - جبهه دموکراتیک ملی ایران
- ۱۱ - کانون دیپلمه های تهران
- ۱۲ - کتا بغروشان کنارغبان، هوا دار چربک - های فدائی خلق
- ۱۳ - دانش آموزان مبارز
- ۱۴ - اتحادیه انقلابی دانش آموزان ایران (شنبه سرخ)
- ۱۵ - گروهی از جوانان محله دولت آباد
- ۱۶ - اتحادیه دانشجویان ایرانی در سوئد (طرفدار آزادی طبقه کارگر)
- ۱۷ - گروه بررسی مسائل آذربایجان
- ۱۸ - کانون فرهنگی خلق عرب

و.....

در پایان مراسم رفیق دربار مبارزات ملی و طبقاتی کردستان از گذشته تا امروز و وضعیت نیروهای سیاسی موجود در منطقه سخنرانی کرد و ضمن آن به سابقه مبارزاتی شیخ عزالدین حسینی از زمان قاضی مجید تا امروز و به خصوص مقاومت دلیرانه اش در مبارزه علیه رژیم فدا خلقی حاکم پرداخت.

پس از سخنرانی، سرود (شرفیاب) به همراهی انبوه جمعیت حاضر در سالن خوانده شد، و جمعیت در حالیکه شعار میداد: "خلق کرد می زند، ارتجاع می لرزد"، "مدنی نابود است، خلق عرب پیروز است"، "جلال تل زعفر، جلال خلق ما شد"، "مصطفی چمران، فالانزیست لبنان، اعدام باید گردد"، "انزلی، کردستان، پیوندتان مبارک"، "تا همره توده ها هست، حسینی رهبر ما ست"، "رهبری کارگر، تنها ره پیروزی"، "ارتجاع، ارتجاع، مرگ به شیرنگ تو، خون شهدان کرد می چکد از چنگ تو" و... سالن را ترک میکرد...

بقیه از صفحه ۱۱

ارتجاع در

مردم بدون واسطه مطلع شوند... از نامه دکتر ساسی به بازرگان.

(۲): "... و در برابر اقدام بی مطالعه افزایش حداقل دستمزد، مراکز تولیدی و خدماتی را مواجه با مشکل جدیدی کرده و نیز عدم آتار آن در کلیه شئون اقتصادی کشور مشهود است." از نامه دکتر ساسی به بازرگان.

(۳): "از آنجائی که بارها مورد سوال و انتقاد واقع شده ایم که با توجه به پیشش مکتبی چگونه جا ما با دولتی غیر انقلابی همکاری کرده... به تجزیه و تحلیل نشستم و بدین نتیجه رسیدیم که به برادران غرور اعلام نمائیم که سنگر مبارزه خود را بهمان مردم بیاورند." از بنایان (جاما) به مناسبت استعفای دکتر ساسی...

جنبش دهقانی

روستائیان آمل همچنان برای گرفتن زمین مبارزه می کنند

پس از گذشت هشت ماه از قیام خونین بهمن، دهقانانی بی زمین و کم زمین برای کسب حقوق خود همچنان مبارزه میکنند. روستاهای ایران اکنون به عرصه مبارزه طبقاتی شده زحمتکش روستا از یکطرف و مالکین، زمینداران و دولت حامی آنها از طرف دیگر، تبدیل شده است. حل قطعی مسئله ارضی در ایران همچنان در دستور انقلاب قرار دارد.

مبارزات دهقانان "کلیکان" و "کلامله" از توابع آمل، نمونه کوچکی است از آن مبارزه ای که در سراسر روستاهای ایران جریان دارد.

"اطلاعات ارضی" شاه در این روستاها طوری صورت گرفت که بهترین و بیشترین زمینها در دست عده معدودی (احمدی و یوسفی) و بقیمت فقر و محرومیت اکثریت روستائیان قرار گرفت. بدنبال انقلاب خونینی که سر پایه فداکاری و ایثار زحمتکشان صورت گرفت، دهقانان این دو روستا نیز همچون دیگر زحمتکشان، انتظار داشتند که به حقوق از دست رفته خود خواهند رسید. لکن جریان زندگی خیلی زود نشان داد که اینطور نیست و میوه های آن درختی را که با خون زحمتکشان آبیاری شده، با زخم همان زمینداران و سرمایه داران (کپرم که اینبار با ریش و تسبیح) می چینند و نشان داد که

مبارزه آنها نازمانیکه خود قدرت دولتی را بدست نگرفته اند همچنان ادامه خواهد داشت. همانطور که اکنون ادامه دارد. روستائیان زحمتکش این دو روستا خیلی زود در یافتند که نباید دست روی دست گذاشت. آنها بارها از طریق کمیته امام، دادگاه و دفتر امام در قم خواهان حقوق از دست رفته خود شدند، لیکن نه تنها کوچکترین توجهی به خواسته های آنان نشد، بلکه با اقداماتی که زمیندار بزرگ محل (احمدی) کرده بود، مورد لعن و نفرین و تهدید روحانی معروف شهر قرار گرفتند.

دهقانان که از راههای قانونی به نتیجه نرسیده بودند، در روز ۵۸/۵/۱۷ خود زمینها را بتصرف درآورده و شخم میزنند. ولی هنوز دو روز از تصرف زمینها نگذشته بود که احمدی (زمیندار) با هفتاد نفر چماق - بدست مزدور که برخی نیز مسلح بودند، به روستائیان حمله برده و عده ای را زخمی و تراکتور آنها را نیز به آتش میکشند. دهقانان که در مقابل ایلحه مزدوران قادر به مقاومت نبودند به شهر آمده و خواستار اعزام پاسدار ب روستا میشوند. سران کمیته که ابتدا مخالف اعزام پاسدار بودند تحت فشار روستائیان تعدادی پاسدار برای رسیدگی به ماجرا میفرستند که طی یک

درگیری کوتاه ده تن از چماقداران دستگیر و بقیه متواری میشوند.

از آن روز به بعد همه روزه مردم برای پیگیری موضوع و محاکمه احمدی ها و چماق - دارانش به شهر می آمدند. ولی پس از دروز که دو تن از دهقانان برای پیگیری مسئله به دادگاه رفته بودند از طرف پاسداران بازداشت میشوند. که یکی از آنها بعد از ۱۸ روز و دیگری پس از ۴۰ روز از زندان آزاد میشوند! جالب اینکه از باندا احمدی به جز یک نفر بقیه به کمک زد و بند با کمیته چماق ها و دادگاه "انقلاب آزاد و همچنان به شوطه علیه دهقانان ادامه می دهند. در پی این واقعه روز شنبه ۵۸/۸/۵ دهقانان دست به یک راهپیمایی در شهر میزنند. بر روی پلاکاردهایی که حمل میکردند از جمله نوشته شده بود: "چرا دادستان انقلاب از منافع فئودالها و زمینداران دفاع میکند"، "کار برای کارگر، زمین برای برزگر" و "نصرت و قدرت احمدی مردم بیدفاع قریه کلیکان را به گلوله بشتند و اموال مردم ده را به آتش کشیدند و باعث نقص عضو شدند. ما خواهان مجازات این عناصر فداانقلابی هستیم" و... این روز ماداف بود با تحصن دیپلمه های بیکار که طی آن دهقانان و دیپلمه ها هبستگی خود را با یکدیگر اعلام کردند.

گرچه فردای همانروز دهقانان با مراجعه به فرمانداری و ملاقات با فرماندار نتوانستند نتیجه ای بگیرند و به بازگشتند لکن همگی آنها مصممند که تا رسیدن به خواست - های خود متحداً مبارزه کنند.

ما را برای جنگ بر علیه برادران مامسی - فرستند با به پیشمرگان پناهنده می شویم و با به ترکیه و عراق، و جاش شدن هم مبارک اربابان باشد.

"هر چه گسترده تر باد مبارزات حق طلبانه زحمتکش و خلقهای تحت تسلیم ما"



(بنقل از ضمیمه محلی پیکار - کمیته آذربایجان)

دهقانان به خانه هایشان شیراندازی کنند و اینکار هم شد. در این شیراندازی هیچ کس کشته نشد ولی آسیبهایی به درو پنجره خانه های کشاورزان وارد شد. در این روز بعد از شیراندازی (۵۸/۷/۱۷) سید موسی (جاش) با تفرقه اندازی اتحاد عمل روستائیان را از بین میبرد و با ایجاد چنددستگی در میان آنان، بعضی از آنان به جاش شدن تن درمی دهند.

دهقانان زحمتکش وقتی می بینند که دولت ضد خلقی هم از اربابان پشتیبانی میکند مسلم روزی با اتحاد خویش هاربابی را بیرون و نابود خواهند کرد. البته این افراد که با زور قراراست به جنگ علیه انقلابیون و خلق کرد که برای آزادی خود - مختاری میجنگند، بزودت میگویند که غیر - ممکن است ما جنگ بکنیم، هروقت دیدیم که

گزارشی از روستای راژان

بالاخره "سید موسی کیلانی زاده" ارباب روستای "راژان" (واژ عاملین قباده موقت و در آخر از رهبران جاشها) موفق شد که با خبله و زور و اعمال فشار، دهقانان زحمتکش روستای راژان را به جاش شدن وادارد. دهقانان هر چند از اینکار دراوایل سربلندی کردند (برای دانستن کامل موضوع به ضمیمه محلی پیکار شماره ۲۴ مراجعه کنید) و برای اعتراض، در تاریخ ۵۸/۷/۹ به استانداری مراجعه کردند ولی استاندار آنها را بنجواب گذاشت. بگفته بعد از اولین اعتراض سید موسی دوباره از دهقانان میخواهد که بیایند جاش شوند ولی دهقانان باز از اینکار سر - بپی میکنند و سید موسی نیز بیکار نمی - نشیند و در شب ۵۸/۷/۱۶ به نوکرانش و جاشهای "رشد یک" (یکی از اربابان محال مرکور) دستور میدهد که برای ترساندن

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

نگاهی به قانون اساسی محصول مجلس خبرگان (۴)

- اصل دهم -

اصل ۱۰ - از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است همه قوانین و مقررات و برنا مه ریزیهای مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

این اصل با ۵۲ رأی موافق، ۳ مخالف، ۱ ممتنع تصویب شد و حتم طبعه اعلام گردید. اصل ۱۰ تصویب شد اکنون ادا مه منطقی اصل ۱۱ پیش نویس قانون اساسی است. منتهی در قالب و محتوای عقب مانده ترو ارتجای تر. عقب مانده ترو ارتجای تر از این نظر که در مجلس "خبرگان" کنونی اکثریتی حاکمیت مطلق را در دستهای خود دارند که سعی دارند تمام قوانین را "اسلامی" کنند. وهم اینان تمام طرز فکرهای عقب مانده و ارتجای خود را که باقی مانده دوران ارباب و رعیتی است در تصویب این اصل ترتیباً اشراف داده اند. وقتی میگوئیم عقب مانده، ارتجای صرفاً ادعای بوج واهی نکرده ایم. بلکه حقیقت تلخی را همانند حقایق بیشمار تلخ دیگر بازگو نموده - ایم که سراسر متن قانون اساسی را فرا گرفته و استخوان بندی آنرا تشکیل میدهد. آقای بهشتی گرداننده نمایش "خبرگان" میگوید: در اسلام حقوق متبادل است نه مساوی. آیت الله موسوی اردبیلی اظهار میدارد: "در زندگی ما شینی وضع خوانده خواهد بودی پیش می آید که زنها از محیط خانواده به محیط کار جذب میشوند و همین عمل بنای خانواده را تضعیف میکند و آن را از معنای واقعیت بیرون میکند و خا - نواده را متلاشی میکند. این اصل برای اینست که بطور کلی قوانین و مقررات توری تنظیم شود که خانواده درجا همه بزرگ حذف نشود و محفوظ بماند."

ببینید، چگونه وقتی پای صحبت تدوین کنندگان و صاحب نظران (؟) مجلس بررسی نهایی قانون اساسی می نشینیم، خود آنها پرده ها را یک به یک کنار میزنند و مفهوم واقعی لفاظی - های خود را از "قداست خانواده" گرفته تا "استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی" آشکارا میبازند. آنها ابتدا رک و راست تساوی زن و مرد را از دیدگاه "حقوق و اخلاق اسلامی" رومیکنند و سپس اظهار میدارند که جذب زنان به محیط کار بنای خانواده را تضعیف و خانواده را متلاشی میکند. بنظر آنان "کار کردن... با وظایف مادری و شوهرداری" زنان منافات دارد. این جملات بقدری گویا و واضح و از سویی بقدری تلخ و گزنده اند که هرگونه اظهار نظری را در اطراف آن زایل میبازد. آنها در اینجا حتی بسیار ضد دموکراتیک تر از "رژیم سفاک پهلوی که تحت

فشار رتوده ها قانون حمایت خانواده را مبنی بر تساوی زوجین در ادا مه با فسخ زنا شویی پذیرفته بود" (پیکار شماره ۱۰) عمل میکنند. هر دو متن قانون اساسی دو رکن اصلی استثمار و فشار بر عاف بر زنان را که در طول تاریخ و در تمام جوامع طبقاتی وجود داشته است برسمیت می شناسد:

- ۱ - برتری مرد بر زن بانفی "تساوی" آنان.
- ۲ - نشستن زنان در کنج خانه و پرداختن به امور "مادری و شوهرداری".

• اصل ۱۰ آشکارا حق برابر برای زن و مرد را زیر پا می گذارد.

• از نظر "خبرگان" نیازی به تکیه جداگانه بر حقوق زن نیست!

در جوامع طبقاتی علاوه بر اینکه تمام زحمتکشان، چه زن و چه مرد تحت ستم و استثمار بیرحمانه طبقات استثمارگر قرار دارند، زنان فشار و استثمار مضاعفی را نیز متحمل میگردند. آنها با کنار ماندن از فعالیتهای اجتماعی و بویژه کار اجتماعی و محروماندن در محدوده فعالیتهای خانگی که در عین حال خود کاری شاق و کمترکن است، عملاً تحت سیطره مرد که گرداننده چرخ اقتصاد خانه است، میمانند. زنان با این وضعیت از شرکت همه جا نبه در فعالیتهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی محیط زندگی خود محروم مانده و بدین ترتیب امکان رشد فکری لازم را از آن گرفته میشوند. در دوران سرمایه داری رشد صنعت و نیاز زوروا افزون به نیروی کار هر چه بیشتر سرب بیرون کشیدن زنان از محدوده خانه به کارخانجات و ادارات گردید. یعنی زنان به مانند مردان در فعالیتهای تولیدی و سیاسی شرکت جستند. این امر خود زمینه مناسبی برای از بین بردن اختلاف فاحش بین زن و مرد گردید. اما بدلیل اینکه جامعه سرمایه داری بر اساس استثمار رقتراز دارد، نتوانسته و نمیتواند به این استثمار مضاعف پایان دهد. همه اینها حقایق مسلم و غیر قابل انکاری هستند که در دنیای امروز کمتر کسی جرأت انکار آنرا (حداقل در حرف) دارد. اما "خبرگان" ما که در پی مال گردن ابتدائی ترین حقوق خلقهای ایران سنگ تمام گذاشته اند، در این مورد چگونه می اندیشند؟

آیا آنها اساساً معنای این ستم مضاعف را درک میکنند یا نه؟ منیره گرجی میگوید: "نمیدانم لازم است که حقوق زن از حقوق مسلمانان جدا شود یا نه". سخنی از این بهر تو گویا تر برای اثبات عجز و ناتوانی گوینده از درک بدیهی - ترین امور سیاسی و حیاتی ترین حق نبی از جمعیت کشور یعنی زنان نمی توان یافت. برای اینکه مانند باقی خلقهای ایران چه زن و چه مرد تحت استثمار و تحقیر و بی رحمانه سرمایه - داران چپا و لگه هستند، فشار مضاعفی را نیز تحمل میکنند، فشار استثمار رزن بودن. فشاری که حامل برتری مرد بر زن و متعکس کننده یکی از جوهره و اثرات مالکیت خصوصی میباشد.

ما بارها در پیکار نوشته ایم که مقامات صاحب قدرت امروز بخصوص با حاکمیت طرز فکری ارتجایی و شدیداً فئودالی، علاوه بر اینکه نمیتوانند به ستم و استثمار که در دوران پهلوی بر زنان وارد میشد، پایان دهند، حتی آنرا قانونی نیز نخواهند کرد. پیکار می نوشت: "ما حیان قدرت امروز، (تا تصویب قانون اساسی) منتظر مانده اند و چندی پیش کمیته انقلاب اسلامی تهران حکم طلاق (فقط) بدست مرد را صحت گذارند. رجوع کنید به پیکار ۶). ما در همان شماره پیکار در بررسی پیش نویس قانون اساسی اعلام کردیم: انتظار رتوده ها مسلماً آنچه را نبوده که دولت کنونی بتواند بدان جامعه عمل ببوشاند. چرا که همواره قانون در خدمت کثانی است که از اوضاع میگذرد و واقع عجیب میباید اگر دولت سرمایه داران قوانینی وضع نماید که نه در خدمت سرمایه و سرمایه داری بلکه در جهت پاسداری از منافع زحمتکشان باشد."

چریان زندگی صحت گفتار ما را ثابت کرده است و ما امروز تنها با گفته های ما حسب نظران کنونی رژیم در مجلس خبرگان بقول لنین "استخوان بندی اصول خود را با داده های کنکرت پر میکنیم". در مقابل همین سیاست اصولی در همان زمان روبزینو نیستها ی حزب شده به مشاطه گری ارتجاع حاکم مشغول بودند و با و توصیه میکردند که اگر بجای فلان گفتار فلان جمله و فلان اصل "پیشنه دات حزب توده ایران" را قبول کنید، آنگاه عمل شما مطابق با روح انقلاب و "مومن نگاه دارنده دستاوردهای انقلاب از دستبرد خدا انقلاب" خواهد بود. چنان - که منشویکها که خود را تنها سوسیال - دموکرات های واقعی می دانستند، مانند یک "لال" عمل نموده و به بورژوازی پیشنهاد میکردند "اگر شما بجای سوسیالیستهای انقلابی از سوسیال - دموکراتها جانب داری کنید، آنگاه ما هم سر

بقیه در صفحه ۱۸

فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع زحمتکشان باشد

جنبش گاوگری کارگران بیکار شده شرکت هلیکوپتر سازی G-H-P اصفهان برای کسب حقوق خود مبارزه می کنند

در ساعت ۴/۵ نمایندگان کارگران شرکت G-H-P و نمایندگان کارگران بیکار اصفهان برای مذاکره به داخل اداره کار رفتند ولی در اداره کار فقط حاضریه پذیرفتن سه تن از آنها شدند که البته با مخالفت کارگران روبرو شد. ولی پس از مدتی بالاخره بر روی ۴ نفر توافق شد و آنها بعنوان نماینده کارگران با مسئولین اداره کار به مذاکره پرداختند و پس از یک ساعت که مراجعت کردند یکی از آنها گفت ما خواست- هایمان را به اداره کار دادیم و قرارداد شده است که روز یکشنبه (۵۸/۸/۱۳) بما جواب بدهند. او سپس گفت: ما برای اینکه دست امیربالیستها را قطع کنیم و مستشاران آنها را اخراج کنیم و قوانین آنها را از بین ببریم انقلاب کردیم و ما بودیم که یک شرکت آمریکایی را تعطیل کردیم و حالا هم باید خواستهای ما برآورده شود و آنها عبارتند از اینکه تمام کارگرانیکه در این شرکت کار کرده اند چه قدیمی ها و چه جدیدی ها، چه بازنشسته ها و چه استفاده داده ها باید حق بیکاری بگیرند. و همچنین دفترچه های بیمه مجدداً تمدید شود و هنگامیکه شرکت شروع بکار کرد نمایندگان کارگران باشند که کارگران را استخدام نمایند. پس از اتمام صحبت نماینده کارگران چند نفر از کارگران به نماینده اعتراض کردند که چرا نگفتی باید برای ما کار نامین کنند؟ و ام که کار نمیشود، و ام هم که بگیریم بعد از یکی دو ماه تمام میشود و باز باید اینجا جمع شویم... پس از مقداری بحث کارگران متفرق شدند.

آنچه که در این اجتماع کارگران کاملاً نوری چشم میزد، عدم شکل و بی برنامه گنی آنها بود. خوبی معلوم بود که کارگران قلاً در مورد خواستهایشان با یکدیگر صحبت نکرده و به نتیجه واحدی نرسیده اند. به همین دلیل هم به نمایندگان خودشان معترض میشوند (بدرستی) که "وام که کار نمیشود" و با این عدم شکل و بی برنامه گنی و عدم انتخاب کارگران مبارز و سازش- ناپذیر بعنوان نماینده کارگران بیکار G-H-P و کلاً کارگران بیکار اصفهان که در واقع این ضعف ها در بین آنها عمومیت دارد، قادر نخواهند شد حقوق پامال شده خود را بدست بیاورند. اکنون اکثر نمایندگان کارگران بیکار، سازشکارانی هستند که فقط فکر مسائل شخصی خودشان هستند نه مسائل کارگران.

حدود سه هزار نفر از کارگران این شرکت بیکار شده اند. این شرکت متعلق به آمریکایی هاست که هنگام قیام از ایران فرار کرده اند. اغلب کارگران حدود ۱۱ ماه است که بیکارند و اکثریت آنها ۲ تا ۳ ماه بیشتر وام بیکاری نگرفته اند. دفترچه های بیمه آنها را هم ستازی بسته اند و امکان استفاده از آنها نیست.

چندی پیش اداره کار با آنها قرار داد گذاشت. در روز سه شنبه ۵۸/۸/۸ که نماینده شان را به اداره کار بفرستند تا در مورد مسائلشان گفتگو کنند. در روز مذکور حدود ۴۵۰ کارگر همراه نماینده شان به جلوی اداره کار رفتند و در ساعت ۲ بعد از ظهر در آنجا اجتماع کرده و پنج نفر دیگر را انتخاب کردند که همراه آنها نماینده شان با مقامات وزارت کار مذاکره کنند و در واقع نمایندگان شان ۶ نفر شدند. ۵ نفر هم از نمایندگان کارگران بیکار اصفهان به آن ۶ نفر پیوستند و مجموعاً ۱۱ نفر برای مذاکره با مسئولین اداره کار آماده شدند. تا در ساعت ۴/۵ به مذاکره بپردازند. در این هنگام چند نفر از کارگران یکی پس از دیگری به صحبت پرداختند. از جمله یکی از آنها اظهار داشت: موقع انقلاب ما بودیم که اعتصاب کردیم و بعد که کارخانه را بستند ما بودیم که کشته دادیم و نظاهرات کردیم. کجا ما ضد انقلاب است که موبدیی (رئیس اداره کار اصفهان) میگوید ما ضد انقلاب هستیم. ما ضد انقلاب نیستیم، ما کار می خواهیم. یکی دیگر از کارگران، بروجردی استاندار اصفهان را افشا کرد که به بازرگان گفته بود: "آقا ما اعلان کارگر بیکار نداریم. و در ادامه صحبت هایش گفت که اگر اداره کار به خواستهای ما رسیدگی نکند به قم میرویم و در محضر معصومه متحضر میشویم تا به خواستهایمان رسیدگی شود. اما اینکه یکی از رفقای ما میگوید ما بر طبق قانون حقمان را خواهیم گرفت (اشاره به صحبت یکی از کارگران) باید پرسید کدام قانون؟ اگر قانون، قانون شاه خائن باشد که ما تا مد سال دیگر هم به خواستهایمان نخواهیم رسید. ما انقلاب کردیم که رژیم شاه را با کلیه قانونهایش از بین ببریم. اگر می خواهیم که قوانینش اجرا شود پس وضع چه فرقی کرده است. در اینجا کارگری که گفته بود طبق قانون باید حقمان را بدهند. حرف خود را تصحیح کرده و گفت منتم قانون کار را قبول ندارم.

نمایندگان شورا های ۱۵ کارخانه دیگر (شورای متحد) تشکیل می دهند، تا برای مبارزه با سرمایه داران، بدون سلاح (که همان سازماندهی و تشکیل آنهاست) نیاخذند. لازم به تذکر است که بخش وسیع خبر دستگیری کارگران مبارز "نخ زرین" سهم بیژانی درسیج و جلب حمایت کارگران دیگر داشت.

اعتصاب کارگران تخلیه و بارگیری در بندر خمینی

در تاریخ ۲۹/۷ کارگران تخلیه و بارگیری بهمانکارهای این بندر برای گرفتن خواسته های که چند ماه پیش برای آن دست به اعتصاب و راهپیمایی زده بودند مجدداً اعتصاب کرده و خواستار پاسخگویی به خواسته هایشان میگردد. ابتدا کارگران لرمبارت به اعتصاب میکنند و کارگران کرد- که توسط بهمانکارهای تهدید شده بودند که در صورت دست زدن به اعتصاب به اتهام دخالت در وقایع کردستان اخراج و زندانی خواهند شد- در ابتدا از پیوستن به رفقای خود، خودداری میکنند.

از این اختلاف و عدم یکپارچگی یکی از جاسوسان و عمال بهمانکار رستم "جانعلی" سو استفاده کرده کارگران لرو را علیه آن عده از کارگران کرده که مشغول کار بودند، تحریک میکنند و از این طریق میکوشد حرکت اعتصابی کارگران را به شکست بکشانند. ولی با هوشیاری عده ای از افراد آگاه این توطئه خنثی و افشا میگردد. و سپس با توضیحاتی به کارگران کرد آنها نیز به صف برادران خود می پیوندند.

اعتصاب عمومی کارگران تخلیه و بارگیری یک روز طول کشید ولی با تهدید و فریب و وعده، کارگران به سرکارها برگشتند. اصلی ترین خواست کارگران همچون عده کثیری از زحمتکشان میهنان "مسکن" بود که بخصوص با فرارسیدن فصل پائیز نیازش در چندان میشود. اگرچه اعتصاب شکست و اعتراض فرونشست ولی چون خواسته بحق و شدیداً مورد لزوم کارگران برآورده نشد کارگران مجدداً به حرکت اعتراضی دست خواهند زد. بدنیست در اینجا به ضعف های اصولی که منجر به شکست اعتصاب شد اشاره شود.

۱- کمبود آگاهی طبقاتی بین کارگران و نیز کمبود تجربه مبارزاتی تا بتوانند دوست و دشمن را از یکدیگر خوب بازشناخته و بدام توطئه های عمال کارفرما نیفتند.

۲- نداشتن تشکیلات و نمایندگان واقعی تا بتوانند در مقابل کارفرما بایستند.

فان ، مسکن ، آزادی

شکست بغاظر عدم تشکل و آگاهی

■ سربندر

حدوده ۷۰ - ۶۰ نفر از کارگران روزمزد شرکت "ویلیام برایم" پیمانکار خانه‌های سازمانی اداره بندر و کشتیرانی (بندرهاهیورسا بق) بعنوان اعتراض به افزایش ساعات کار با مزد ثابت، در روز ۷/۲۸ دست به اعتصاب میزنند. در این روز حمله عوامل کارفرما برای به شکست کشاندن اعتصاب بی نتیجه می‌ماند. فردا کارگران فنی نیز بغاظر افزایش دستمزد به دیگر رفقای خود پیوستند. بناچار تهرانی رئیس شرکت مستقیماً دخالت کرده و وقتی پس از تهدیدهای بی‌فایده که در مورد اعتراض‌ها به کارگران قرار گرفت، با منت به بیانی یکی از کارگران کوپید و کارگران هم دروغ‌های این رفتار را به شما نشان کتک مطلقاً به او زدند و پس از رساندن دوست خود به بیمارستان و گرفتن حق استراحت برای او از "تهرانی" به کمیته شکایت کردند. ولی پرواضح بود که کمیته به خواست آنان رسیدگی نخواهد کرد. اما کارگران مجدداً بی توجه به ماهیت یکسان کمیته و زاندارمری، به زاندارمری رفته و در آنجا شکایت میکنند که آنها هم هیچ توجهی نکرده و قرار می‌شود تنها میلیتی نامیز به کارگر مجروح پرداخته شود!

نداشتن تشکیلات و سازماندهی آگاهی طبقاتی و سابقه مبارزاتی، موجب شد علیرغم اینکه دستمزد کارگران بسیار کم است - روزانه ۶۵۰ ریال بدون هیچگونه مزایای دیگر از قبیل مکن، بهداشت، وسیله نقلیه اعتصاب بدون نتیجه به پایان برسد در ضمن قبل و در حین اعتصاب هیچگونه کارآگاهانه در بین کارگران نشد و حرکتی که بطور خود بخودی شروع شده بود پس از اینکه از شور اولیه آن کاسته شد و با فریب و تهدید و ترس مواجه شد، به بن بست رسید. ■



کمیته ضد کارگری شرکت نفت گچساران منحل شد

کمیته ضد کارگری شرکت نفت که از عده - ای جاسوس و مزدور فرصت طلب تشکیل شده بود از طرف هیئت نظارت شورا های کارگاهی کار - گران منحل شد. خبر رسیده حاکی است که کاراین کمیته شناسائی کارگران مبارز و تهیه لیستی از آنان بوده است.

چیز دیگری که در کنار اجتماع کارگری جلب توجه میکرد وجود کمیته‌چی‌ها بود که کار ساواک را به عهده گرفته و کوشش میکردند کارگران فعال را شناسائی کنند و لایسند مانند ناصر شوقیان نماینده مبارز کارگر - ان بیکار امضاها را آنها را ضرور کنند و برای این کار حتی از گرفتن عکس آنها نیز باخا - گوناگون ابا نمیکردند.

تشکیل "شورای کارگران بیکار پروژه ای و فصلی" گچساران

طبق اطلاعیه‌ای که قبلاً از طرف عده ای از کارگران بیکار گچساران منتشر شده بود صبح روز سه شنبه ۵۸/۷/۱۷ از کارگران بیکار برای بوجود آوردن تشکل و انتخاب نماینده دعوت بعمل آمده بودند در پارک شهر جمع شونده. در ساعت ۸ و ۱۰ روز سه شنبه گروهی از کارگران بیکار جمع شدند.

ابتدا تعدادی از رفقای کارگر را جمع به ضرورت تشکیل شورا با سندیکای واقعی کارگری صحبت کردند و سپس یکی دیگر از رفقا در مورد خصوصیات یک نماینده واقعی صحبت کرد و در تلاشی صحبتایش به مسائل مبتلابه کارگران از جمله بیکاری و گران و ... اشاراتی بعمل آورد. سپس ۱۰ نفر از کارگران خود را برای نمایندگی کاندید کردند. انتخابات برای مخفی و بطور مستقیم و با حضور نماینده وزارت کار صورت گرفت. پس از پایان رای گیری و زمانیکه هیئت نظارت به همراه نماینده وزارت کار مشغول شمارش آرا بودند، نماینده سپاه پاسداران حجت الاسلام حجازی به جلسه آمده و سرخود بدون دعوت کسی شروع به سخنرانی کرد. و در خلال بحث مسئله شوری و چین و مسائل دیگری که املا ربطی به جلسه نداشت، مورد اشارات و کنایات ایشان قرار گرفت. پس از این سخنبراکتی چند تن از کارگران هم صحبت کردند. یکی از آنها که از فرط فشار زندگی هنگام صحبت به گریه افتاد، گفت: "من دیگر روندا به بخونه پیش زن و بچه ام بروم. ساعت را فروختم، هیچی ندارم، رفتم تهران بمن کاغذ دادند و ما فرستادند صدوق بیکاری که رئیس آنجا مرا بیرون کرد..." نماینده پاسداران با لبخند بی تفاوت و غاموش به کارگران نگاه میکرد، که یکی از کارگران با خشم فراوان به او پیرید، که: مردحایی! کارگر داره گریه می‌کنه در عوض تو می‌خندی! که تمام کارگران بلند شده و با عصانیت بر پر حجت الاسلام قریباً می‌زدند. که: این چه وضعیه؟ مدتهاست که بیکاریم و هیچکس بداد - مان نمی‌رسد! انقلاب کردیم که وضعمان بهتر شود ولی بدتر شد و ...

جلسه بهم خورد و کارگران دسته دسته جمع شده و شروع به درددل برای هم کردند. آنها که با تجربه تر بودند و هیئت حاکمه را بهتر می‌شناختند برای بقیه علل دردها را و علت بیکاری را می‌شکارفتند و در این هنگام برخی از سپاه پاسداران که در میان کارگران رفته بودند تلاش می‌کردند تا از موقعیت عسیره‌ای و قومی منطقه استفاده کرده و کارگران را دسته دسته کرده اتحاد و تشکل آنها را بهم بریزند. که این عمل تفرقه افکنانه آنها از طرف چند کارگر آگاه افشا شد. و آنها با هم نتوانستند به نقشه ضد کارگری خود جامه عمل بپوشانند.

یکی از اعضای سپاه پاسداران تلاش کرد بعنوان آخرین حربه از شیوه معمول و مرسوم کل هیئت حاکمه در جهت تفرقه کارگران استفاده کند. او گفت: یک عده مارکسیست جمع شده‌اند و می‌خواهند شورا راه بیندازند" که این حرف مورد تهاجم شدید کارگران قرار گرفت و کارگران با هجوم خود او را خاموش کردند. و در جواب اظهار داشتند که ما می‌دانیم که چگونه کارها را به پیش ببریم و بهیچکس مربوط نیست. پس از نیم ساعت دوباره کارگران جمع شدند و به اعلام نتیجه رای گیری گوش دادند. نتیجه توسط نماینده وزارت کار خوانده شد و بدین ترتیب "شورای کارگران بیکار و پروژه ای و فصلی" گچساران ایجاد شد.

کارگران در این تجمع علاوه بر اینکه تشکیلات حداقلی را برای پیگیری مبارزه متحد و متشکل خود بوجود آوردند، ضمناً دشمنان طبقاتی خود را بیش از پیش شناختند. آنها که هنوز نسبت به روحانی‌هایی چون حجت الاسلام حجازی ها ... امید داشتند، پوشوج و در تجربه عملی خود دریا فتند که فقط با پستی به نیروی متحد خود و تشکل مستقل خود تکیه کنند تا بتوانند حقوق قح خود را از دشمنانشان که ضمناً قدرت را هم قبضه کرده‌اند بازستانند.

حق بیمه بیکاری "هم حق کارگران بیکار است، هم حق کارگران شاغل"

اعلامیه کمیته خوزستان در پاسخ به اتهامات مغرضانه

کارگران زحمتکش پروژه ای آبادان!

اخبار بعد از انتشار مقاله "از مبارزات کارگر-ان بیکار چه می آموزیم"، در نشریه پیکار شماره ۲۴، برخورد هایی از طرف سندیکا ی کارگران پروژه ای آبادان و یکی از گروه های محلی با این اعلامیه انجام گرفت. از آنجا-فکاه این برخورد ها حاوی تحریفات مشخص و نتیجه گیری های بسیار نادرستی از بعضی از قسمتهای این اعلامیه بود. لازم می دانیم بطور مختصر در این باره بشما کارگران مبارز توضیح دهیم.

محور این انتقادات و در واقع ایرادات غیر اصولی این است که گویا سازمان پیکار تشکیلات سندیکای پروژه ای آبادان را یک سندیکای وابسته به حزب خائن توده و سایر جریان های انحرافی دانسته است. نگاهی هر چند کوتاه به متن این اعلامیه، نادرستی این برداشت را بخوبی نشان میدهد. این اعلامیه (اعلامیه سازمان) بعد از اینکه بدستی بر روی دریافت بخش کوچکی از حق کارگران - وام بیکاری - در اثر مبارزات متشکل و متحد کارگران اشاره میکند، به بررسی عوامل منفی در صفوف کارگران که باعث شد کارگران بیکار و پروژه ای نتوانند به حق واقعی خود - حقوق بیکاری - دست پیدا کنند، می پردازد.

در بخشی از این بررسی به نبود یک تشکیلات واقعی سراسری اشاره میکند. در این قسمت از اعلامیه بطور مشخص به ایجاد و تنوع تشکیلات سندیکایی کارگران اشاره می-شود. یکی تشکیلات واقعی کارگران که از درون مبارزات خود کارگران ایجاد شده و در اینجا آنجا بشکل سندیکای کارگران پروژه ای شکل گرفت. دیگری سندیکاهای فلابسی و وابسته که با همکاری حزب جمهوری اسلامی و حزب خائن توده با هدف اختلال در جنبش کارگری و مبارزات کارگران ایجاد شده و میشود اعلامیه بدستی نشان میدهد که چگونه در حالیکه کارگران مبارز پروژه ای و بیکار در سرتاسر ایران، برای احقاق حق خود، در جریان مبارزات خستگی ناپذیرشان، دست به تشکیل سندیکاهای واقعی میزنند، دولت سر-مایه داران و حامیان آنها نیز دست به تشکیل سندیکاهای اتحادیه های وابسته و فرمایشی میزنند تا بتوانند امواج خروشان جنبش کارگری را به بند کشیده و آنرا در چارچوب منافع خود متوقف کنند. در این راه از انواع و اقسام وسایل از جمله پرداخت وام بیکاری بکارگران پروژه ای و بیکار برای تثبیت موقعیت سندیکای فلابسی خود و بی اعتبار کردن تشکیلات واقعی کارگران استفاده کردند.

در آبادان نیز دقیقاً چنین سالیسی جریان داشت. در حالیکه کارگران مبارز پروژه ای از همان بهیچوجه قیام بد نهال ایجاد

تشکیلات واقعی خود بودند و بالاخره در اثر پیگیری و مبارزات مداومشان موفق شدند به این خواسته خود در اسفند ۵۷ جامه عمل بپوشانند در کنار آن نیز عوامل وابسته به هیئت حاکمه ضد خلقی نیز مشغول دست و پا کردن یک تشکیلات فلابسی و فرمایشی بنام "اتحادیه کارگران و تحصیل کرده ها" در مسجد بهبهانیها بودند. مقامات حاکم نیز برای متلاشی کردن تشکیلات واقعی کارگران - سندیکای پروژه ای آبادان - و تثبیت اتحادیه فرمایشی اعلام کردند که وام بیکاری از طریق این اتحادیه پرداخت میشود این مسایل و مبارزه ای که بین این دو جریان در آبادان وجود داشت بخوبی در نشریات پیکار و کارگر به پیش - نشریه کارگری سازمان - و بخصوص در گزارشی از مبارزات کارگران پروژه ای تحت عنوان "۴۰۰۰ کار-گر پروژه ای متشکل شدند" (۲) بطور واقعی و مفصل آمده است. در این گزارشات بخوبی از توطئه های عوامل رژیم و کارفرمایان بر طبله مبارزات کارگران پرده برداشته و مبارزات و مقاومت کارگران پروژه ای برای حفظ سند-یکای واقعی خود بخوبی توصیف شده است.

بنا بر این منظور از تشکیلات واقعی کارگران پروژه ای در مقاله پیکار، سندیکای کارگران پروژه ای آبادان، تبریز، تهران و... و منظور از سندیکای فرمایشی در آبادان همان "اتحادیه فلابسی کارگران و تحصیل کرده ها" است که وام بیکاری از طریق آن پرداخت میشود. و نشریه پیکار اشتباه این اتحادیه فلابسی را تحت عنوان سندیکای وابسته به حزب توده نام برده است.

بر خلاف روشن بودن مسایل فوق در مقاله پیکار، متأسفانه سندیکای کارگران پروژه ای با برخوردی غیر سیاسی و نادرست با مقاله فوق نه تنها واقعیات موجود در اعلامیه را نادیده گرفته و تحریف کرده است، بلکه پارا فرائز از آن گذاشته و کلیه کوشش های سازمان مارادار تائید مبارزات بحق کارگران پروژه ای و رسا-ندن صدای مبارزات حق طلبانه آنان به گوش طبقه کارگر ایران و سایر هموطنان مبارز را نادیده گرفته و زیر سوال برده است.

سلباً ما مطالب عنوان شده در اعلامیه سندیکای پروژه ای آبادان را بحساب اکثریت کارگران مبارز و آگاه آن نگذاشته و معتقدیم که این اعلامیه حاصل وحدت کوشش مذبحانیه بعضی عناصر سازشکار و مرتجع با جناح های انحصار طلب و ماجراجو که کاری جز تخریب در جنبش کارگری با توسل به شیوه های کودتا گرانه و ضد کارگری و تحمیل اراده خود بر آن ندارند، بوده و هدفی جز بی اعتبار کردن سازمان ما و نشریه پیکار که قدم های هرچند ناچیزی در جهت کسب منافع واقعی طبقه

کارگر ایران برداشته و شت این دوستان در زمین طبقه کارگر را باز میکند، ندارد. سلباً این مسئله نه تنها در خدمت کارگران نبود بلکه مستقیم و غیر مستقیم در خدمت سرمایه - داران و دشمنان طبقه کارگر ایران قرار میگرفت ما در اینجا ضرورتی نمی بینیم که در برابر اتهاماتی از قبیل بی شرمی، مغرض و نشر اکاذیب و اراجیف به سازمان ما، که در این اعلامیه آمده است و ما آنرا جد از اهداف ضد کارگری بسبب این اصلی صدور این اعلامیه نمی دانیم، موضع بگیریم و قضاوت را به کارگران آگاه و مبارزی که به ماهیت سازمان ما از درون سالها مبارزات پیگیر و خستگی ناپذیر آن آشنا هستند واگذار میکنیم.

ضمناً رفقای متحدین خلق نیز با برخوردی مغرضانه و بدبینانه دست به تحریف واقعیات زده و با فرو بستن چشم خود بر واقعیات و متهم کردن سازمان به بیخبری، ازیابی - های غیر مسئولانه و باوه گویی و... نشان داده اند که از بحث ایدئولوژیک و انتقاد رفیقانه چه برداشتی دارند و چگونه میخوا-هند به طبقه کارگر خدمت کنند.

رفقا! طه کرده اند که منظور ما (سازمان پیکار) از سندیکای فرمایشی آبادان همان سندیکای پروژه ای است. ما بدون اینکه دیگر در این مورد توضیحی را لازم بدانیم قضاوت را به عهده تمامی کارگران زحمتکش پروژه ای میگذاریم تا پس از مروری بر نوشته های پیکار (شماره های ۱۲، ۱۰، ۷، ۲، ۱۳) و کارگر به پیش شماره ۵ خود در این باره قضاوت کرده و بی پایگی این ادعا را دریابند. رفقا! ما متهم کرده اند که گویا سازمان ما ادعا کرده است که اولین بار طرح صدور ق بیمه بیکاری از طرف سازمان مطرح شد ما مست رفقا! ما را به آرشیتوار خجسته مبارزات سندیکای پروژه ای رجوع میدهند. آها بهتر نیست خود این رفقا! پرده بدبینی و غرض ورزی را از جلوجهش-شان کنار زده و با نگاهی کوتاه به متن اعلامیه فوق الذکر (۲) و همچنین اعلامیه بیکاری در پیکار شماره (۳) بی پایگی ادعای خود را دریابند.

رفقا! ما متهم کرده اند که نسبت به مسائل سندیکای پروژه ای بی خبریم، ذهنی هستیم و... ما میگوئیم با کمترین چشم انداز خود را بقیه در صفحه ۱۸

(۱) کارگر به پیش شماره ۵، تاریخ ۸ خرداد ۵۸، صفحات ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴.

(۲) کارگران بیکار از همان ابتدا خود طرح "حق بیمه بیکاری" را مطرح نمودند. پیکار شماره ۲۴ صفحه ۱۰.

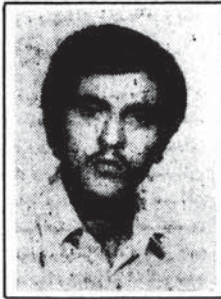
(۳) روز شنبه ۱۹ اسفند کارگران بیکار در "محل کارگران بیکار" یا سازمان کارگران سابق جمع شدند و توسط "شورای موسس کارگران" که در ۱۷ اسفند تشکیل شده بود سه خواست زیر را مطرح کردند:

۱- ...

۲- تشکیل صندوق بیمه بیکاری

۳- ...

گرامی باد خاطره رفیق شهید

محمد رضا
آخوندی

تدوین دنا عبه میکرد. رفیق دفاعیاتش را که شامل تاریخچه نفوذ امپریالیسم در ایران، تاریخچه مبارزات خلق، و تحلیلی از اوضاع اقتصادی و اجتماعی آنروزها معوانیست حقایق مبارزه انقلابی بود، روی تکه کاغذها با خط بسیار ریزی نوشت، آنرا در یک خمیردندان جاسازی کرده اگر او را مجدداً و قبل از "دادگاه" به انفرادی بردند، همراه با وسایل شخصی اش حفظ کند و پس آنرا بشکلی به "دادگاه" ببرد و آنرا در اختیار خبرنگاران خارجی قرار دهد.

"ما رژیم از "دادگاه" علنی منصرف شد و رفیق در "دادگاه" غیر علنی اول به اتهامات مختلف محکوم شد و دوبار اعدام گرفت. در "دادگاه" دوم هم چون ما سبکدشته از مواضع سیاسی و انقلابی خود و سازمان اش دفاع کرد با هم همان محکومیت ها تکرار شد و به سلول انفرادی منتقل گشت و یکماه پس از محکومیت در "دادگاه" دوم، در سرخاگاه ۲۵ مهر ۱۳۵۶ در مقابل جوخه اعدام مزدوران آمریکا به شهادت رسید.

"صدافت انقلابی و مقاومت و روحیه عالی و تزلزل ناپذیر این رفیق - که تمام هستی خویش را در راه رهایی طبقه کارگر و زحمتکشان گذارده بود - مرا همه رفقای زندانی را تحت تاثیر قرار داده بود و خاطره اش در دل های همزمان زندانی و توده های زحمتکش ایران زنده و جاوید خواهد ماند. رفیق حتی پس از محکومیت به اعدام که در بین ما بود، لحظه ای هم گرفته و ناراحت نبود و همیشه چهره ای خندان و بیانش داشت."

تنگ و نفرت بر میوه چنان انقلاب که می خواهند مبارزات نیروهای انقلابی و کمونیست ها را کوردلانه از خاطره ها بزدایند!

"موقعی که رفیق آخوندی را در تاسستان ۵۶ دیدم، هنوز آثار شکنجه در کف پایش بهیود نیافته بود، در آن زمان مسئله باز دید هیئت ملیت سرخ از زندان مطرح بود. عدی (جلاد ساواک) با او صحبت کرده و گفته بود "اگر با ملیت سرخی ها درباره شکنجه ات صحبت کنی، پس از رفتن آنها ترا بر شکنجه خواهیم کشت چون بهر حال تو اعدای هستی". ولی رفیق به این تهدید توجهی نکرده و با وجودیکه او را به انفرادی منتقل کرده بودند، تمام شرایط اخلاقی و شکنجه را با نشان دادن آثار شکنجه در بدن خویش، برای نمایندگان ملیت سرخ مغلطایان کرده بود (این نکته را خود هیئت در دست عمو می گفتند).

"با توجه به فشارهایی که آنروزها در مورد رفتار با زندانیان سیاسی در سطح داخلی و بین المللی بر رژیم وارد میشد، رفیق می خواست از تربیون دادگاه برای افتای رژیم و ساواک و برای دفاع از اهداف انقلابی ساز - مان و آرمان طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان استفاده کند. لذا تمام وقت خود را صرف

۲۵ مهرماه معادف بود با دومین سالگرد شهادت افتخار آفرین رفیق شهید محمدرضا آخوندی (دادگاه) که آخرین شهید از کاروان اعدای های رسمی به دادگاه های رژیم شاه بشمار می رود.

رفیق متولد تهران بود، دوره تحصیلی را در دبیرستان علوی گذرانده و در سال ۵۰ به دانشکده پزشکی شیراز راه یافت. رفیق در مبارزات صنفی - سیاسی دانشجویی فعال بود و به همین دلیل در سال ۵۲ سوسله ساواک دستگیر شد. پس از آزادی و در اوایل خرداد ۵۳ در ارتباط با رفیق شهید مهدی موسوی قمی عضو هیئت سازمان مجاهدین خلق ایران درآموسین در پروسه تحول ایدئولوژیک سازمان به بحث "مشمار سازمان مجاهدین خلق ایران" پیوست. رفیق در هیئت تکنیکی و کارگری سازمان به فعالیت انقلابی خود ادامه میداد. در اوایل آبان ۵۵ رفیق در امفهان به دام پلیس می افتد و علی رغم فرار و درگیری مسلحانه دستگیر میشود. کوشش او برای خودکشی به علت گیر کردن گلوله و نیز اثر نگردن سمی که به همین منظور خورده بود سودی نمی بخشد. پس از ۴ شبانه روز تحمل شکنجه و حبس و مداوم در امفهان و تهران و بودن ساواک با سرفراهای فلابی و خسته کردن آنان، آدرس یک انباری را که فرابود پس از ۴۸ ساعت تخلیه شود، میگوید، اما انبار به این دلیل که رفیق پیش فکر میکرد و در همانجا به دام پلیس افتاده، تخلیه نشده بود، و در نتیجه مدارک زیادی بدست ساواک می افتد. و در این رابطه و با توجه به اسناد بدست آمده از انبار عده ای دستگیر میشوند.

یکی از رفقای همزنجیر او در شرح خاطرات خود از روزهای زندان، چنین می نویسد:

بقیه از صفحه ۱۴

نگاهی به قانون اساسی
محصول مجلس خبرگان (۴)

یک پیمان علیه دشمن مشترک به توافق خواهیم رسید. (لنین)

امروزه حتی پس از اینکه قدرتمندان، به پیشنها دات حزب توده ایران توجهی نکرده، رویزیونیستها هنوز "تمایل روحی خود را به چانه زدن از دست نداده اند. آنها خطاب به دولت بورژوازی مینویسند: "یادآوری میکنیم که اهمیت موضوع توسط حزب توده ایران، بهنگام بحث پیرامون پیش نویس قانون اساسی... با تسلیم... تا مه سرگشاده از جانب کمیته مرکزی به هیئت دولت... به کرات و صریحاً خاطرنشان شد. کسی نمیتواند بگوید که بموقع خود، توجه مسئولان و تدوین کنندگان آئینده قانون اساسی به این مسئله حیاتی جلب شده است... ما حق نداریم، حق کاملاً برابر زنان را نادیده بگیریم... ما باید دستاوردهای انقلاب را از دست نبرده. انقلاب مومن نگاه داریم..." (مردم شماره ۵۸ - ۱۴ مهرماه).

وای بر هیئت حاکمه که طرز فکر قشری،

فئودالی و بی نهایت ارتجاعی چنان او را در تار و پودش محصور ساخته که حتی از تشخیص چنین دوستان سینه چاک، مخلص و بی ریا خود عاجز مانده است. ببینید رویزیونیستهای وطنی ما چه فرومایگی قابل تحقیری از خود نشان میدهند. درست مانند یک دلال حرف میزنند. آنها با تکرار پشت سرهم "ما، آشکارا روسی ربا خود را عضو از خانواده مسئولان و تدوین کنندگان آئینده قانون اساسی" بورژوازی بحساب می آورند. رویزیونیستهای حزب توده ابتدا به هیئت دولت بورژوازی توصیه کردند، فلان کار را بکن و بهمان کار را نکن، و امروز هم، چون که به لطف مقام شریفان وقوع رزله را پیشا پیش تشخیص داده، از روی احساس مسئولیت به یاران خود هندا رمیدند "ما (یعنی حزب توده و دولت بورژوازی) باید دستاوردهای انقلاب را از دست نبرده انقلاب مومن نگاه داریم." باید گفت: آقایان کیا نوری ها، هیچ نگران نشاید. احادی اخلاقها به شما نخواهد گفت که بموقع توجهتان به این مسئله حیاتی و حواس جلب نشد. چرا که شما با سیاستهای خود ثابت کرده اید دوستی ربا و هیئت حاکمه هستید.

ادامه دارد...

بقیه از صفحه ۱۴

بقیه از صفحه ۱۴

بد بینانه بر واقعیت فرو می بندند چه میتوان کرد؟! نشریات پیکار و کارگر به پیش و اعلامیه های کمیته خوزستان سازمان ایما نشاندهند مابین واقعیت آشکار نیست که ما نه تنها نسبت به این مسائل بی اطلاع نبوده ایم بلکه تا حد توان خود کوشش کرده ایم صدای مبارزات حق طلبانه کارگران پروژه ای را به گوش طبقه کارگر و خلق های قهرمان ایران برسانیم.

ما بیشتر از این برخورد با اعلامیه رفقا را جایز نمی دانیم و ضمن اینکه قضاوت را به عهده کارگران زحمتکش و آگاه پروژه ای می گذاریم رفقای متحدین خلق را به برخورد سازنده و اصولی با سایل جنبش کارگری دعوت میکنیم.

"هر توان باد مبارزات حق طلبانه کارگران ایران بر علیه ارتجاع و امپریالیسم" "مستحکم باد اتحاد کارگران و زحمتکشان ایران"

"پیش به سوی ایجاد حزب طبقه کارگر ایران" "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" کمیته خوزستان ۵۸/۸/۶

درافشای سوسیال امپریالیسم شوروی (۵)

هنگامیکه چریکهای فدایی به نفی دیکتاتوری پرولتاریا می‌رسند

دارتدودروبنای آن ایدئولوژی و فرهنگ، عادت و سنت کهن و فاسدکننده، فعال می‌باشند و این مجموعه بلاانقطاع، طبقه‌کارگر و حزبش را مورد هجوم خودقرار می‌دهند.

لنین می‌نویسد:
"آری، میان طبقه‌کارگر و جامعه بورژوازی، کهنه، دیوارچین فاصله نیست. و زمانی که انقلاب فرا میرسد و ما دست‌مرگ یک انسان جریان نمی‌یابد، که جسد او را بیرون می‌برند، زمانی که جامعه کهنه می‌میرد، جسد انسانی توان درتابش می‌کوبد و درگورگذاشت. این جسد در میان ما ازهم می‌پاشد، می‌گندد و خودما را

پرولتری حزب و تبدیل آن به یک حزب روبریو - نیستی ستاد فرماندهی طبقه‌کارگر منهدم‌گشته و جامعه سوسیالیستی روبه انحطاط و بازگشت به عقب می‌گذارد. دولت حاکم خملت پرولتری خود را از دست داده و از این پس سیاستهایی که در زیربنا و روبنا پیاده خواهند شد، دیگر نه ملهم از ایدئولوژی و مشی پرولتاریا بلکه ملهم از ایدئولوژی و مشی روبریونیمستی و بورژوازی خواهند بود.

اگر از گفتار خودنا بدینجا در یک کلام جمع‌بندی کنیم به این نتیجه می‌رسیم که از نقطه نظر فلسفه دیا لکتیک حرکت تاریخ دارای زیگزاگ وافت و خیز بوده. در عین حال که روند عمومی آن روبه بالایی می‌باشد. برای این پایه امکان اینست که یک کشور در حال ساختمان سوسیالیسم به عقب بازگردد و در آن نظام سرمایه‌داری تسلط یابد موجود است. زیرا در این جامعه عوامل بازدارنده زیربنایی و روبنایی که مناسبات کهن را در خود حفظ کرده و می‌کوشند تا این مناسبات را توسعه دهند هنوز از زمین نرفته‌اند.

● جامعه سوسیالیستی هنوز یک جامعه طبقاتی است و در آن طبقات و مبارزه طبقاتی برای مدت زمان بسیار طولانی وجود خواهد داشت.

● رفقای فدائی، همچنانکه "چریک" را قهرمانی ملکوتی و شکست‌ناپذیر تصور می‌کنند، طبقه‌کارگر و حزبش را نیز اینگونه ترسیم می‌کنند و نمی‌توانند بپذیرند که طبقه‌کارگر در جامعه سوسیالیستی و در کشاکش مبارزه طبقاتی می‌تواند از قدرت فروافتد.

نیز آمده می‌کند.
(جلسه مشترک کمیته اجرایی مرکزی سراسر روسیه، شورای می‌کونما پندگان کارگران و دهقانان و ارتش سرخ و اتحادیه‌های کارگری، ژوئن ۱۹۱۸).

و با باز لنین می‌نویسد:
"میان کارگر و جامعه کهنه هیچگاه دیوارچین فاصله نبود. بسیاری از روحيات سنتی جامعه سرمایه‌داری در کارگر باقی مانده است. کارگران جامعه نوین می‌سازند بدون آنکه خود به انسانهای نوین منزه از آلودگیهای دنیای کهنه تبدیل شده باشند، برعکس هنوز تازانو در این لجنزار فرو رفته‌اند، پاک شدن از این آلودگیها فعلا فقط در عالم اندیشه میسر است. پنداری عمیق واهی است اگر فکر کنیم که اینکار را می‌توان فوراً عملی ساخت. این پندار واهی در عمل استقرار سوسیالیسم را فقط به دنیای ساوی موکول خواهد کرد.

نه، ما اینطور به ساختمان سوسیالیسم نمی‌پردازیم. ما سوسیالیسم را بنا می‌کنیم در حالی که بر زمینهای جامعه سرمایه‌داری ایستاده‌ایم، در حالیکه علیه همه آن ضغیا و معایبی مبارزه می‌کنیم که دامن زحمتکشان را نیز برگرفته است و پرولتاریا را به سقوط سوق می‌دهد." (گزارش به دومین کنگره اتحادیه‌های کارگری سراسری روسیه، ۲۰ ژانویه ۱۹۱۹)

ادامه دارد...

اما درک ساده‌گرایانه و مکانیکی سازمان چریک‌های فدائی خلق در برخورد به حزب طبقه کارگر این چنین خود را بروز می‌دهد:
"مجا، طبقه‌کارگر آگاه، انقلابی و قهرمانی که به رهبری لنین و حزب بلشویک پس از سالها مبارزه، قدرت سیاسی را تسخیر می‌کند و حکومت کارگران را برقرار می‌سازد... به آسانی تسلیم‌دهی روبریونیمست میشود و خروچیف و دارودستان در عرض چند سال دوباره طبقه‌کارگر را از طبقه‌ای حاکمه طبقه‌ای محکوم تبدیل می‌کنند و نظام سرمایه‌داری را مستقر می‌سازند. بدون آنکه کارگران کوچکترین اعتراضی بکنند، مرتجا به این استدلال عالمانه. ("کار" شماره ۱۸)

چریکهای فدائی که هنوز از دیدگاه و بینش چریکی خود سرپیاده‌اند همچنانکه "چریک" را قهرمانی ملکوتی و شکست‌ناپذیر تصور می‌کنند طبقه‌کارگر و حزبش را نیز اینگونه ترسیم می‌کنند. اینان پیروزی اجتناب‌ناپذیر تاریخی طبقه کارگر و سوسیالیسم را به هر نقطه‌ای از زمان تعمیم می‌دهند و در میله یک بعدی خود نمی‌توانند بپذیرند که طبقه کارگر در جامعه سوسیالیستی و در کشاکش مبارزه طبقاتی می‌تواند از قدرت فروافتد. نکست طبقه کارگر در جامعه سوسیالیستی و سلط قدرت از وی محتوم نیست. لیکن اگر در مبارزه آگاهانه و طولانی طبقه کارگر خللی وارد دیوار انقلاب مداوم این طبقه دچار توقف و رکود گردد، در آن هنگام نهاجم همه - جانشین پرولتاریا می‌گردد و به سبب ازلی یک رونده، ضربه قطعی فرود خواهد آمد. در زیربنای جامعه عناصر و عوامل سرمایه‌داری هنوز وجود

در این ارتباط هدایت جامعه سوسیالیستی توسط حزب طبقه کارگر تعیین کننده است. حزب سکان هدایت کننده جامعه‌ای است که در آن عناصر نظام کهن و عناصر رشد یافته نظام آتی در کنار یکدیگر قرار دارند. حزب برای پرولتاریا نه تنها از این جهت لازم است که بتواند انقلاب را به پیروزی برساند بلکه مهمترین اثر را پرولتاریا بتواند بپیکتاتوری طبقاتی اثر را مستقر نموده و جامعه سوسیالیستی را بسوی کمو - نیم رهنمون شود. حزب کمونیست ستاد فرماندهی پرولتاریا و اسلحه دیکتاتوری پرولتاریا می‌باشد. دیکتاتوری پرولتاریا بدون حزب راستین طبقه کارگر که متکی بر جهان بینی کمونیسم و میانی ایدئولوژیک مارکسیسم - لنینیسم است نمی‌تواند استوار باشد. حزبی که از یک انضباط آهنین پرولتری و تشکیلات عالی برخوردار است، حزبی که در میان توده‌های وسیع نفوذ داشته و راهگشای جامعه آینده است. لیکن فراموش نکنیم که جامعه سوسیالیستی هنوز یک جامعه طبقاتی است و در آن طبقات و مبارزه طبقاتی برای مدت زمان بسیار طولانی وجود خواهند داشت حزب طبقه کارگر در برین چنین جامعه‌ای مدام مورد تهاجم ایدئولوژیک و نفوذ مغرب افکار و عادات بورژوازی و خرده بورژوازی می‌باشد. در حقیقت مبارزه طبقاتی جاری در اجتماع در هر روز حزب طبقه کارگر بازتاب پیدا می‌کند و جهان - بینی بورژوازی و خرده بورژوازی بطور مستمر سیاست و ایدئولوژی پرولتاریا را مورد تهاجم غریب قرار می‌دهد. بدین لحاظ احتمال اینست که حزب از مسیر خود به گمراه کشیده شود و به انحراف بورژوازی در غلط پیوسته موجود است. زمانی که روبریونیم به مثابه یک چریک فکری بورژوازی در درون حزب پرولتاریا غلبه پیدا کرد، در آن هنگام سکان هدایت کننده و ستاد فرماندهی طبقه کارگر تغییر ماهیت یافته و از مسیر خود منحرف می‌گردد. زیرا آنچه که تعیین کننده حرکت و ماهیت حزب است مشی و سیاست حاکم بر آن می‌باشد. با قلب ماهیت

لوله تفنگ پاسداران بطرف سینه کارگران ■ بندرخمینی (شاپور سابق)

در ساعت ۱۰ شب ۸/۲ هزار سمنگساز
از کارگران پروژه ای (صلی) پیمانکارهای
این بندر که فاقد مسکن هستند، پس از آزار و
شدید و طوفان و سرما برای حفظ جان و سلامتی
خود به دستان ابوز (آریا مهر سابق) هجوم
می بردند تا با عی دستان دیوار این
دستان از گردبار زندگی و طوفان در مان
باشند. اما "پاسداران سرما" به محض کسب
خبر و حشانه حمله کرده و پس از یک سری تیر-
اندازی هوایی برای ترساندن کارگران به
آنان حمله میکنند. کارگران مجبور به ترک
محل میشوند. مردم که با شنیدن صدای تیر-
اندازی در محل جمع شده بودند به پاسداران
مزدور میگفتند "شما که خود را حامی مستضعفین
میدانید، چرا لوله های تفنگتان را به روی
سرما به داران و بهیمانکارهای زالوشت نمی -
گیرید که عامل فقر و بیچارگی هستند. ...

کارگران بیکار ایلام تهدید استاندار را بهیج می گیرند

صبح روز ۵۸/۷/۲۸ نزدیک به ۵۰۰ نفر
از کارگران بیکار استان ایلام در مقابل
اداره کار اجتماع کردند. در ساعت ۱۱/۵
استاندار همراه با رئیس تهرانی و چندتا مور
مسلح در محل حاضر شدند. استاندار شروع به
سخنرانی برای بیکاران نمود. وی گفت:
"من هیچ مسئولیتی در مقابل شما ندارم و و ام
شما هم هیچ ربطی به من ندارید. وی کارگران
را تهدید کرد که دیگر به استاندار نیایند.
او گفت: "در غیر این صورت بدمی بینید!"
استاندار در پایان اعلام کرد که میخواهد با
پنج تن نماینده بیکاران مذاکره کند و به
داخل رفت.

همه های در بین کارگران در گرفت.
آنها از اینکه استاندار تهدیدشان کرده و
خط و نشان کشیده بود، خشمگین بودند. عده ای
از کارگران می خواستند با حمله به اداره
مذکور خنم خود را فروشانند. لیکن تصمیم
گرفتند که تا گرفتن حق خود از پای ننشینند و
متحدانه بپایداری کنند.

خانه "نخ زرین"، شاد و سر حال از پیروزی ای که
در برتر و همبستگی و اتحادشان با خود و دیگر
کارگران بدست آورده بودند، جلسه ای تشکیل
داده و شورای خود را با حضور و تحت نظارت
بقیه در صفحه ۱۵



جنبش کارگری

سرانجام کارگران "نخ زرین" پیروز شدند

محکوم شده و قرار شد که اخطار بهای برای
دادستانی انقلاب و کمیته زندان او -
فرستاده شود که در صورت آزاد کردن کارگران
دستگیر شده دست به اعمال شدیدتری خواهد زد.
ما کارگران کاخانه "نخ زرین" اخطار می کنیم
چنانچه تا روز شنبه ۵۸/۷/۲۸ برادران کارگر-
مان آزاد نشوند دست به ترحم و راهبیمانی
خواهیم زد و از دیگر برادران کارگری خواهیم
که در این مبارزه برای رهایی ۱۰ نفر
کارگران مبارز زندانی، ما را پشتیبانی و یاری
نمایند. در اینجا اطلاعیه شماره ۳ کارگران
"نخ زرین" پایان می گیرد، در حالیکه مبارزه-
شان برای آزادی رفقای مبارزان ادامه
می یابد. در روز دوشنبه کارگران کاخانه
مختلف و نمایندگان کارگران بیکار در کار-
خانه "نخ زرین" اجتماع کرده و همبستگی و
پشتیبانی خود را از مبارزات این کارگران
ابراز می کنند. حدود دوماه تا این اجتماع
گذشته بود که پاسداران سرسپرد و راهبان را
بروی کارگران بستند و لی جرئت نکردند به
آنان نزدیک شوند. کارگران در این موقع شمار
می دادند: "کارگران زندانی آزاد باید گردید."
مسئول پاسداران کوشش می کند با جرب زبانی
و حیل های مختلف کارگران را متفرق کند ولی
موفق نمی شود. کارگران به جستجوی کارفرما
می پردازند تا با گروهی که گرفتن اوداستانی
انقلاب را مجبور به آزادی زندانیان کنند،
ولی کارفرما قیلا فرار کرده بود و کارگران
موفق به دستگیری او نمی شوند.

در این اجتماع خانواده های کارگران
زندانی از وضعیت زندگی شان صحبت می کنند
و با انگشت گذاشتن بر روی حمایت کمیته ها و
دولت از کارفرما، ماهیت آنان را افشا می کنند
بالاخره کارگران متفرق می شوند با این قرار
که فردا ساعت ۲/۵ دوباره جمع شوند و در
صورتیکه رفقای شان آزاد نشده باشند دست به
اعتصاب و ترحم بزنند. اما اتحاد کارگران مبارز
"نخ زرین" با یکدیگر و اتحاد آنان با سایر
کارگران کاخانه ها و حمایت فعال این
کارگران از رفقای کارگر خود در نخ زرین
باعث شد که به پیرونده کارگران مبارز فوراً
رسیدگی شود و آنان آزاد شوند.
در روز چهارشنبه ۵۸/۸/۲ کارگران کار-

مبارزه کارگران "کاخانه" نخ زرین
برای آزادی ده تن از برادران کارگر خود
سراجام به پیروزی انجامید و این علیرغم
شمار توطئه های کارفرما و رژیم حامی سرما به-
دازان صورت پذیرفت.

در شماره ۲۶ پیکار، با نقل بخشی از
اطلاعیه شماره ۲ کارگران نخ زرین خوانند-
گان عزیز را در جریان مبارزات آنها و جنگی
دستگیری ده تن از رفقای مبارزان قرار
دادیم. اکنون، با نقل بخشی از سومین
اطلاعیه "آنها به دنبال به، جریان می بردیم:
"در اطلاعیه شماره ۲ نوشتیم که پاسداران
کمیته مرکزی با زور و خشونت ۱۰ نفر از کار-
گران مبارز کاخانه ما را دستگیر کرده و به
زندان اوین برده اند. محمدلاهیجان کار-
فرمای کاخانه، پیرونده ای با اتهامات دروغین
تنظیم کرده که بنا بر آن، کارگران را متهم
کرده اند که در کاخانه آتش سوزی راه انداخته-
اند، شیشه شکسته اند و در تولا خلا کرده اند
... با اینکه کلیه کارگران کاخانه در
شهادتنامه ای که امضا کرده اند، اتهامات دروغین فوق
را رد کرده اند ولی کمیته مرکزی بدون هیچ
تحقیقی در مورد شکایت کارفرما، این ده کارگر
را دستگیر کرده و به اوین برده، قصد محاکمه
آنان را دارد. در صورتی که ما کارگران چندین
بار کتبی و شفاهی از کارفرما به کمیته مزبور
شکایت کرده ایم ولی حتی برای یکمرتبه هم
کارفرما دستگیر نکرد. در قسمت دیگری از اطلاعیه
چنین آمده است: "تا روز ۵۸/۷/۲۴ اکثریت
کارگران بخاطر دستگیری کارگران مبارز، در
اعتصاب بودند. بر اثر فشاری کارگران
اعتصابی، امروز ۵۸/۷/۲۴ از طرف کمیته
کارگری پلی تکنیک به کاخانه آمده و پاسداران
مسلح مستقر در کاخانه را که از کمیته ۱۳
بودند، با دو پاسدار غیر مسلح از کمیته مرکز
عوض کردند. کارگران امروز به شورای متحد
کارخانجات رفتند و مسائل خود را با آنان در-
میان گذاشتند و از کارگران متشکل در این
اتحادیه تقاضای همکاری کردند، شورای متحد
۵ نفر از اعضای خود را مسئول رسیدگی بمسائل
کاخانه کرد. این افراد برای تحقیق
بیشتر در مورد مسائل با کارگران جلسه ای
تشکیل دادند. در این جلسه کارفرما و کمیته ها

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر